

وَيُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ آيَاتٍ مَوْجِزَاتٍ لِّلَّذِينَ يَرْتَابُونَ (القرآن المبین)

کتاب

نقش سلیمانی

در علوم غریبه خاصه

احضار ارواح - سحر - طلسمات

تبع بندی از آثار شیخ بهائی را

بضمیمه نقوشات نقشبندی



مکتب میرزا محمد علی
کاتب روضه
کوئته

مکتب میرزا محمد علی
کتابخانه
۱۸۶۴

نقش سلیمانی

در علوم غریبه خاصه

احضار ارواح - سحر - طلسمات

تبع بندی از آثار شیخ بهائی رن

مجموعه توفیقات نقشبندی

نقش سلیمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام آنکه نامش هرز جاننا شایش جوهر تیغ زبانهاست
 و در دو نامعد و دیزردان سرور کاینات و مقرر موجودات است
 و باعث ایجاد بی آدم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است
 این کتاب در اصل بزبان اردو بوده و بعد از زبان فارسی ترجمه شده
 و مشتمل بر شش باب **باب اول** سخن ترغیب
فصل اول در بیان قواعد عامه - برداشتمند این کامل عبار و عاقلان
 ذوی لافقه از روشیده مباد که برای دعا و دعا و ترکیبی و اصولی است
 اگر با ترکیب اصول دعا را بداند کرده شود زود اثر پذیرد و اگر بی اصول
 عمل کرده شود هر دو ناتمام میمانند و ازین باعث بجای فایده ضرر بطور نیاید
 خصوصاً در عمل خواندن بی اصولی اختیار میکند و در تقوید نوشتن خانه های نام موافق
 کند و اگر ناشی حسبت نخواهد عمل و تقوید را بدنام میماند پس لازمست که
 و قیقه قصد عمل کردن و تقوید نویسی نماید اول قاعده عمل خواندن و تقوید نوشتن
 آموزد چنانچه کسی علاج مریضان کردن خواهد او را باید که اول کتب حکمت از حکیم
 حاذق خواند و ترکیب شفا سخن مرض قادره و بموجب مرض نسخ نوشتن و او زبان ادویه
 بمناسبت مرض در نسخ درج کردن آن موهبه امتحان از منطب آغاز کند و بعد بجزیه از حکیم
 حاذق میگردانند همچنین علم و عمل مواضولهای آن باید آموخت لهذا چند قواعد که
 فن عمل معین نموده اند و از کجبران طریقت بدیافت رسیده بطور مختصر درج کرده میشوند

اگر عامل این قاعده بار ملحوظ خاطر دارد انشاء الله تعالی بجز فایده نقصان نخواهد داشت
قاعده اول این امر را در قبولیت و عباد اعمال اثر عظیم است که اکل حلال و صدق قیام
 و هر وقت خود عمل از جوع قلب خواندن حق که تا اختتام عمل خود حاضر دارد و در کینه هیچ قاعده
 نخواهد داشت بقول حضرت مولوی حسن بزرگوارین تسبیح و ذکر و غیر اینچنین تسبیح که در باره
قاعده دوم هر عملی و وظیفه که تا انعام معذرت بخواند آن است ترک حیوانات و غیره صورت است
 یعنی خوردن آنچه تا ترک کند مثلاً گوشت گاو و ماعز و بیضه هر قسم جانور که باشد در هر سنگ
 بود چیزی از قسم مصالح حیات هم خوردن آن است پس آنکه کوزه امیدوست که در عمل و دعا او اثر
 کامل ظهور خواهد کرد قاعده سیم در بیان جوهری است آنکه در خواندن عملیات و شش
 و غیره کردن تفریق ضرورتیست مثلاً شخصی علی از قسم جلالت یا جلالی اول بر روزی
 که خواندن آغاز کند خیال دارد که ختم آن فعل همان روز وقت کند که آغاز کرده بود و
 اختلاف زمان موجب ضرر و نقصانست قاعده چهارم اینست یعنی مکان
 از رئیس ضرورتیست اختلاف مکان بلاغند مناسب نیست هر یک جانی و مصلحتی
 آغاز و ختم کند قاعده پنجم آغاز کردن عمل در عروج ماه بهتر است از آنکه
 در زوال ماه آغاز کند قاعده ششم وقتیکه عمل خواندن آغاز نماید الحمد و
 آیه الکرسی و چهار قل را سه بار خوانده و بر انگشتان و دستهای خود مکنند
 و گروه خود حصار بند و بنشینند قاعده هفتم هر اسم و دعا خواندن اگر
 سر اسم و دعا و حرف سر نام خوانده آتشی باشد اوز و تر آید از حرف آتشی
 و آبی جداست و در حرف خالی و آبی لحاظ عدولت کرده بخواند باید که اگر کسی اسم
 یا عمل شروع کند حرف سر اسم دور کرده بخواند تا که بزودی اثر کند باد یا باد مسکون
 باد و آب میان آب خاک نرود از آب آتشی مخالف - اربعه خاص خاک رنگ زرد
 حضرت جبرئیل باد رنگ بزرگ حضرت اسرافیل آب رنگ نیلی حضرت میکائیل آتشی
 رنگ سپید زرد حضرت عزرائیل قاعده هشتم وقتیکه زکوة عمل دهد و از
 زکوة فارغ شود باید که روزی هفت بار یا دوازده بار یا از این آنرا بخواند

قاعده قطره در اعمال اجازت صاحب عمل بهتر است و اگر بی اجازت حاصل عمل
 خواهد کرد نقصان خواهد داشت مصنف از سال در علمهای مرقومه خود اذن عام
 داده هر که بخواهد عمل کند انشاء الله هیچ نقصانی و فتنه را نخواهد داشت بلکه فایده عام
 و خاص را حاصل شود قاعده کس در میان برجهای عاقل را دریافت کردن کیفیت
 برجها و ستارگان ساعتی آنها هم ضروریست چرا که بغیر یافتن هیچ عملی نتواند کرد
 معنی مختصر حال آنکه ناظرین کرده میشود فصل دوم در میان برجها
 در تفسیر فتح العیز و مقصود العاشقین و غیره نوشته است که حقیقت برجها این است که
 گردش آفتاب در آسمان از راه پیدا میشود و از اثر البروج مینامند آفتاب از راه
 طی میکند و از راه دوازده حصص مساوی تقسیم کرده اند هر حصه را هم بروج ده تاند و هر
 مطابق آن صورت که سبب اجتماع ستارگان پیدا شده است مصور ساخته اند و اینها بر
 رأس مینامند آن دوازده بروج آینه (۱) حمل هندی میگنند اما با که را گویند بصورت
 میش تراست در سر هم دو شاخ دارد و سر او بجانب مغرب دم او بجانب مشرق و پشت او
 جانب شمال پای او سمت جنوب در پیش بر عقب بگشته گویند که کسی چیزی را می بیند خانه
 شرقی آتشی سرخ و بال زهره مشرق آفتاب در جبهه طرز حل مذکور منقلب موکل سر ظالم
 حروف ا ح ل ی (۲) شود هندی بر که ما جسته را میگویند بصورت گاو است
 سر او بجانب مشرق و دم جانب مغرب خانه زهره جنوبی خاکی سفید و بال ترنج شرف متر
 در جبهه ثابته موکل حرف ا ی ل حرف ب (۳) جوزا هندی متین ما ا شاز میگویند
 بشکل دو طفل برهنه با هم آمیخته سرش بجانب شمال و مشرق و پای او جانب جنوب مغرب خانه
 عطار در غربی بادی زرد و بال مشرقی شرف رأس سبزه و دنبه گرد و صیدین موکل هوا ستر ایل حمر
 ف ق ل (۴) سرطان هندی کرک ما سادون ایگویند بصورت جانور دریایی هندی آن فیکر
 او گنگنا است خانه شمالی آبی سفید و بال زحل شرف مشرقی هبوط ترنج موث منقلب موکل
 قیفا یل حروف ح (۵) آمد هندی سنکه ما سادون ایگویند بشکل جانور صحرائی
 که در فارسی آنرا شیر میگویند خانه شمس شرقی آتشی سرخ و بال زحل مکر ثابته موکل حرف ا ی ل حروف

(۶) سنبله هندی کیان ماه کنو امینی آسن ایگو نید بصورت دختریت امین فرودشته
 و سر او جانب مغرب شمال و پای او بجانب مشرق و جنوب است چه هر هشته و هشت است
 بر دوش بر دشته در جهان دست خوشه مخلی گرفته است خانه عطار و جنوبی خالی سبز زلفی سیاه
 و بال مشرقی شرف عطار هموز بهره موثت و وجدین موکل سما کائیل حروف اب ت (۷)
 میزان هندی تاه ماه کاکت ایگو نید بصورت میزانت خانه غربی بادی سپید و بال مرغ
 شرف رطل هموز آفتاب مذکر منقلب موکل فهم الحائیل حروف ت ط (۸) عقرب هندی
 بر حنک ماه اکهن ایگو نید بصورت عقرب هندی بجهت خانه مشرق شمالی آبی سرخ و بال نیز
 هموز قمر موثت ثابت موکل ضد ضامن حروف ل ن ظ ض ف ذ (۹) قوس هندی
 درین ماه پوس ایگو نید بصورت تیر و کمان در دست گرفته خانه مشرقی شرقی آبی زرد
 و بال عطار و شرف دنب هموز طر اس مذکر و وجدین موکل صلحائیل حروف ف (۱۰)
 هندی کر ماه اکهن ایگو نید بصورت بز است خانه رطل جنوبی خالی سیاه و بال قر
 شرف مرغ هموز مشرقی موثت منقلب موکل حکاکائیل حروف خ ح (۱۱) قوس
 هندی کنبه ماه پهاگن ایگو نید بشکل مردی است که ابرق رفیق در دست گرفته ابرق
 کج کرده آب بر زمین میریزد خانه رطل غربی بادی زرد و بال آفتاب مذکر ثابت موکل
 سخا زائیل حروف س ش ص ش ع (۱۲) حوت هندی ماه چت ایگو نید
 بصورت دو ماهیان با هم آمیخته خانه مشرقی شمالی آبی سرخ و بال هموز عطار و شرف نیز
 موثت و وجدین موکل قضاائیل حروف ج د ب و ج ماههای هندی و برجها کجا
 برای دریافت و آسانی شایقان نوشته میشود که در یافتن هر دو آسان باشد حمل
 ماه بیا که آ و ث و جتیه اساره در هندی سجوز ایگو نید سر طغان ماه ساون است
 نهادن سنبله را آسن میزان را کاکت عقرب را اکهن قوس را پوس آجک را
 کاکت آ و ث و پهاگن حوت را چیت ایگو نید شاعری طبع بر چهار نظم کرده است
 حمل لکنتی و شیر کمان
 طبع جوزا و ث و باد هوا
 نور خاکی جدی و خوشه آسمان
 دان هر چنگ حوت و عقرب آه

مشربیات

ابو نصر فراهی خانه‌های ستارگان با نظم کرده است
 حمل و عقربت با بصرام
 قوس و حوتت مشتری درانام
 توره میزان چو خانه زهره است
 موز حل راست جدی و دلو مقام
 تیر و جوزا و خوشه سر سلطان
 خلا آفتاب شیر درام

بدانکه خداوند تعالی هر برج و ستاره را نیکی و بدی و سعادت و نحس است از جدا گانه عطا فرمود
 و حکم آنها در این عالم جاری میشود - لکن از دعا و عملان ده از ده گانه شش قسمه ثابت و منقلب و
 دو جسدین و حتی که آفتاب در برج ثابت آید عمل محبت و گشایش رزق و غیره مفید میآید و در
 منقلب بلاکی دشمن و غیره و دو جسدین را می برد و امر عمل کردن سزاوار است و همین احوال
 دو از ده ماه است و تعیین آن زمانها می شود مولف رسالتیک از ده برای آسانی فهمیده
 درج نموده که انشا الله تعالی ملاحظه و از ده کیفیت و از ده برج منکشف خواهد شد چه اگر برج غیره یکجا



البرج



فصل سیم در بیان طالع

بداند در این فن استخراج کردن طالع برای حبت و غیره ضرورت حالات آن مفصل
 در کتب های جدید قدیمه مسطور است و در این رساله مختصر گنجایش طول و طول حالات
 نیست لهذا یک قاعده مختصر عام فهم نگاشته میشود اگر در یافتن طالع شخصی منظر
 باشد اعداد اسم او و مادر او بر آورده یکجا جمع کند بعد آنرا بر دو اوزده طرح میداند
 هر چه باقی ماند بر نوبت تقسیم نماید هر عددی که بعد تقسیم باقی ماند همان طالع
 آن شخص است مثلاً اگر یک عدد باقی ماند طالع برج حمل است اگر دو باقی
 ماند برج ثور است اگر سه باقی ماند برج جوزا است اگر چهار باقی ماند برج
 سرطان است اگر پنج باقی ماند برج اسد است اگر شش باقی ماند برج
 سنبله است اگر هفت باقی ماند برج میزان است اگر هشت باقی ماند
 برج عقرب است اگر نه باقی ماند برج قوس است و اگر ده باقی ماند برج
 جدی است و اگر یازده باقی ماند برج دلو است و اگر دوازده باقی ماند برج
 حوت میباشد اینست اگر نام سال مراد است عدد این دو است چهل و پنج است
 و نام مادر سال الهی عدد این چهل و شش است جمله میشود دو است و دو یک پس بعد تقسیم
 سه عدد باقی ماند معلوم شد که طالع آن شخص برج جوزا است

س باقی ماند برج
 است باقی ماند برج میزان است و اگر هشت باقی ماند
 برج عقرب است و اگر نه باقی ماند برج قوس است و اگر ده باقی ماند برج
 جدی است و اگر یازده باقی ماند برج دلو است و اگر دوازده باقی ماند برج
 حوت میباشد اینست اگر نام سال مراد است عدد این دو است چهل و پنج است
 و نام مادر سال الهی عدد این چهل و شش است جمله میشود دو است و دو یک پس بعد تقسیم
 سه عدد باقی ماند معلوم شد که طالع آن شخص برج جوزا است

باب دوم در بیان فضیلت

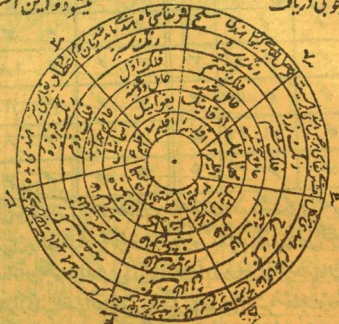
شمارگان در مجایب المخلوقات و مقصود العاشقین مر قوس است که آنست
 جل شانہ شمارگان بی شمار خلق فرموده که شمارهای آنها را بجز خداوند تعالی کسی
 آنچنان نمیداند که آنها را بذات خود جنبش نیست و در فلک چنان آمیخته اند که
 گو یا بگویند در اینک شتری است مگر فلین در اینک شتری بجانب بالای شوی
 زیرا آن نقره یا طلا و غیره میشود و سیارگان بر دو جانب زیر و بالا نایاب
 هستند و همین جهت آنها را ثوابت میگویند مگر قدرت خداوندی

بذات خود هم سخن اند و بهین جهت اهل عرب آنها را سنج بسیار و میگویند و از
 حرکات آنها تاثیرات انواع و اقسام در عالم ایجاد مینماید و در اکثر چیزها موثر
 میگردد و هر یک سیاره بر وقت خود حاکم وقت میگردد و در سعد و نحس هر یک مختلف
 حکمی دارد و هر یک از این آسمانی مقامست و آن آسمان از آسمان سیاره موسوم
 و آن سیارگان باین ترتیب اند (۱) قمر بفارسی ماه هندی چاند و چند مان و سوم بصورت
 مرد دراز قد و هر دو دست برگوشای خود نهاده و یک پا که گرد چهره رنگ بنفشه و بعضی آبی
 فلک اول عامل روز و شبست موکل بعراب ایل اقلیم هفتم (۲) عطارد بفارسی
 هندی بدو بصورت پیر مرد دراز ریش در دست قلم بر زانو گذاشته نهاده گویا که چیزی میگوید
 رنگ فیروزی فلک دوم عامل روز چهارشنبه موکل اسماعیل اقلیم دوم (۳) زهره بفارسی
 ناهید هندی سحر بصورت زنی است در دست چیزی از نو اختن گرفته رنگ سپید فلک سوم
 عامل روز جمعه موکل بزمین اقلیم سوم (۴) مریخ فارسی خورشید هندی سورج اویت
 بشکل میانه قدم در پا که بگرد چهره راست و چپ صورت شیر و هر دو دست بر آنها رنگ طلا
 فلک چهارم عامل روز یکشنبه موکل کلک ایل اقلیم چهارم (۵) جمیع فارسی بهرام هندی
 منگن بصورت مرد لشکری رنگ دست شمشیر و در دست دیگر سر بریده گرفته رنگ سرخ
 فلک پنجم عامل روز سه شنبه موکل خرا و ایل اقلیم پنجم (۶) مشتری فارسی برجیس هندی
 بر سپت بشکل مرد سن کتاب در دست گرفته رنگ زرد زرد بعضی صندلی فلک ششم
 روز پنجشنبه موکل همایل اقلیم ششم (۷) زحل فارسی کیوان هندی سینجر بصورت مرد
 دراز و دراز هر دو دست اعضا عقب گردن گرفته و در دو دست شاخ مثل موه دارد گرفته
 در دو دست دم موش گرفته رنگ سیما فلک هفتم عامل روز شنبه موکل از قایل
 اقلیم هفتم با سنج سیاره شاعری گفته اسمای عربی (۸) قمرست عطارد و زهره
 شمس و مریخ و مشتری و زحل و در فارسی اسمهای آنها نیست که اکب و تیر و نایب
 دان چون خورشید و بهرام و برجیس کیون اقلیم هفت سیارگان ازین نظم یافت باید نمود
 هندی حاکم زحل شد ملک چین را شتری ملک ترکستان را مریخ کرده سردری

عشر بیان

(۹)

مشتس آمد در غسان هر
 روم عطار در روز قمر بیخار را شد برتری
 مؤلف رسالیک دایره رقم نموده است نام دایرة النجوم مناده از مشاهیر کاتبان
 حال نجوم تجویزی دریافت
 میشود و این است



هر چند در اشکال و رنگ ستارگان و موکلتان اختلاف بسیار است لیکن نزد اکثر متبحران
 و کتب معتبره آنچه معتبر دریافت گردیده در انیر ساری مختصر اندکی بالا جمال ترتر کرده شد و تیسر
 و تریج و تملیک و نظرات و غیره و بجای طول کلام گذشته شد **فصل اول در**
بیان ساعتی است و روز باید دانست که خداوند تعالی جل شانزه در هر مخلوقات خود
 تا شش ماه عطا فرموده است و تا اثیرات آنها مدام بنظرمی آید چنانچه هر ستاره که حاکم وقت میگردد
 را در غیر خود را ظاهر میگردد و معنیها عاقلان فن خاص تا اثیرات حاکم وقت بنحو داشته عمل خوانند
 و بحاشقن تقوید آقا می نمایند و از زمان قدیم تا ایندم همگی باین قاعده اتفاق کلی است که مذاکبت
 نقشه برای دریافت ساعت که بموجب ساعتی روز است و دیگری که بطریق جدول
 در ذیل بنام نوشته میشود و وقتیکه آفتاب طلوع سازد یک چوبی دوازده انگشت
 باشد در زمین هموار و بروی آفتاب فرو نماید در زمین بعد از آن سایه آن چوب را

دیده و نقشه را ملاحظه نموده ساعتها معلوم میشود و نقشه اینست

نقشه دریافت ساعت بطور دهبوب گهری

حصه اولی بعد میان روز

حصه اول صبح

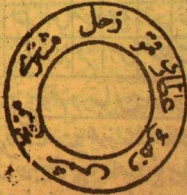
۷	ساعت	۶	اول کل	۱	ساعت	۴۰	اول کل
۸	/	/	۱۰	۲	/	/	۳۰
۹	/	/	۱۸	۳	/	/	۱۸
۱۰	/	/	۳۰	۴	/	/	۱۲
۱۱	/	/	۳۶	۵	/	/	۸
۱۲	/	/	۴۰	۶	/	/	۴

این جدول ساعتنامه که از ملاحظه آن ساعتهای روز و شب بوجرا حسن معلوم میشود حضرت ابوالعاشر بلخی در تالیف فرموده بودند و بسبب کثرت نقول اکثر جا تفاوت شد بود بعد از آن حکیم ابوالعشری آن تفاوت را دور ساخت تا ایندم همان مرحوم است مؤلف سال از کتاب مقصود العاشقین و دیگر مباحثهای معتبره مقابل فرموده بقیصیح آن کرد مخفی مباد که ساعت هر ستاره یک گننه میشود و قول اصح اینست از این حساب شمار ساعتها باید کرد و الله اعلم بالصواب باید دانست که در اینجا مخفی بجایست جدول ساعتنامه بود جدول دراز است گنجایش جانیست که تمام جدول در اینجا نوشته شود لهذا از در صفحه بعد شرح نموده شد در اینجا بعضی از فضیلتها و مسائل فریخته شد
 شرح جدول شرحه آرد غناب ۱۲ ماشه آرد با قلا ۲ ماشه آرد سپستان ۱۲ ماشه آرد تخم خطی ۱۲ ماشه
 زب الیونس ۱۲ ماشه فکر بقال ۱۲ ماشه سندرس ۱۲ ماشه صنغ عربی ۱۲ ماشه آردیه در اباریک ساییده در
 غناب تخم خطی خوب بعد بخورد سازند و اگر وقت در دهان بدارند نسخ بخواهند
 روی گشیز سنوف کرده بخورد بار سوت از آرد میخچه بخورد آرد نه شفا میسباید
 نسخ صرخ جانوریکه آرد بپزدی گهری میسگویند گوشت آرد بریان کرده بخورد

نقش سلیمان

تر را هم سعد میکند در ساعت آن تعویذ است و اخلاص و شفای امراض نویسد داخل نفس اگر
 در ساعت آن تعویذ بلاکی اعدا باید نوشت لیکن هاله لازمست که وقت سحر کار کند و در وقت
 نفس هیچ کار نکند که انجام نگیرد رسید در ساعت سحر کار کند انجامش بهتر و مفیدتر خواهد شد
فصل چهارم در بیان مجوزات در جوهر خسته و مقصود العاشقین نوشته است
 که عامل بوقت عمل خواندن، تعویذ نگاشتن خیال مجوزات ضروریست نظر دارد که موجب مغرور
 پرستاره بسوزاند مجوزات ایند فشرحه عود، مشک، کافور، جودانه، صندل سرخ و مشک
 زهره عود، عنبر مشک، صندل سفید، کافور و اسبند عطا داد، عود، کافور، صندل سرخ و قفل
 بخت شمس عود، مشک، و ارجینی مجوزات قمر عود، کافور و شهد و غیره فحل عود، لوبان
 و مال بخت میزخ عود، اربان و بوقت نوشتن تعویذ و سوختن فیله میل گرد بسوزانند و این مجوزات
 بگلستانه عاشق و بکار ستاره معشوق استعمال سازد اگر ستاره معشوق عاشق کی است همان
 یک مجوز بسوزاند بوقت تعویذات بعضی رانی در راست و برای فیله جن و شیاطین و غیره گوگل
 بچشم کرد و غیره است بخورد و وی که چیزی بر آتش افکندن پیدا شود آن را بگویند

فصل پنجم در بیان افعال نامه ستارگان



سبب مناسبت مقام این فالنامه نوشته شد
 اگر شخصی از افعال خود هیچ دریافتن منظوره باشد
 اول گین انگشت چشم زود بسته برینک خانه دانه
 نهد بعد با حال خود از عادت مرقوم ذیل معاینه کند
 باید دانست که این فالنامه بر بیا عمده و مجرب
 و آرزونده است فال هیچ بر بیا اگر انگشت

تو بر زحل افند معلوم کن که شخصی بر جداوت تو کبر بسته است خواه ادرا تو میدانی یا فیلدانی
 و طبع تو اگر نکرده و طبع بسیار و پریشانی دامن کبر است و اگر محب خالص تویی تو ام بی نظیر
 آید و کسی که از تو دور و نزدیک ایضا او ساخت چندی حال تو باینطور خواهد بود ولی بعد
 قضا بدید خواهد شد بی بدست تو مالی آید و مرغی که دردی است منبر خواهد شد اگر بیلاست

معاش مترد بودی بجز از دست جنب و مجزاه کامیاب خواهد شد و اگر کسی اتفاق در این زمان
واقعه بود از آن اتفاق کامل خواهد شد و اگر تمای مجبوب و حمزه زداری بدیر برین
مقصد کامیاب شوی غرض چند روز از صبر و شکر گذارون باید تا که هر مصیبت و رنج دور
گردد و راحت و شادمانی پدید آید اگر انگشت تو بر مشتری افتد یکمشت دولتی بدست
تو افتد و چند روز بجز می و شادمانی گذرد دوستی که از او مفارقت شده باز از وصل و می خور
شوی هر چه رنج و الم و داری از خاطر دور شود و از تنگ دستی گشایشی حاصل شود اگر تمای نزد
داری پسر سعادتمند تولد گردد و از جانی خلعت زعفرانی یا پر زرد حاصل آید اگر غم دوری
و بجزویت دور شود و اگر مال تو بفارست زردان رفته آنها گرفتار شوند و اگر کرامین و سنان
رنجشی واقعه با بهم رفع شکر رنجی گردد و اگر از پیاده پانی ریخته استی اسب با هواری بدست
خواهد آمد بزود پیچشند ال نخود و جو ب نرد صدقه باید داد اگر انگشت تو بر صبیخ افتد
در جسم تو حرارت ظاهر شده و دشمن صعب دینی ضرر تو است ایام بخش پیش آید کاری که در نظر
تو بر آمدن او آسانست دشوار تر گردد پریشانی خاطر لاحق حالت خواب و خورشت بسیار
کمتر گردد در خاطر تو سخل جنگ جدل مشعل گردد از لباس سرخ دل تو خوشحال گردد و دل
بر این نوال گذرد و بعد چندی خوشحالی پدید آید هر اندازه و تفکر که لاحق حال شده باشد بدست
براحت و شادمانی میگردد و ال حدس گوشت و سینه در روز داده باشد تا که از شر او
مخوف ماند اگر انگشت تو بر شمس افتد هر امید که داری زود بر آید اگر تعلق خاطر بر شمس
است بوقت شدت حرارت شمس معشوقش گاه گاه خشکس گردد همه کار با حسب و کرم
بر آید مفسلی از تو بتوانگی میبدل شود مرض شفا پذیر گردد و از قسم جوهرات یا تو
و لعل و مرجان بدست آید اگر کسی از سر کشی باو جنگ کند بروی نظر نیاید و از جانی مرده
شادمانی پرسد اگر تمای پسر دارد دختر خاندان تولد شود اگر با هم باشد با نیکو
رفع شود بزود یکشنبه گندم و شیر صدقه باید بدهد اگر انگشت بر زهره افتد عزیز کی
در شهر دیگر رفته باشد باز آید و اگر برای سواری خاطر شمس سیل دارد اسب یا دوه رنگ
انگشت یا نفری بدست آید اگر در ول می دارد شخصی سخوردی سیاید که آنم از خاطر او

بیرون میآورد و از کسی نقصان ورنجیده خاطر است نفع حاصل شود که نقصان
 فراموش گردد اگر مرضی دارد و زودتر شفا یابد از امری یا خواجهر سزائی یا زنی نفع
 حاصل شود اگر زراعت خواهد کرد از دولت مالمان خواهد گردید عرض کرده حاجت
 تو بر آید بروز جمعه بزرگ و روغن صدقه بدهد اگر انگشت بر عظام افتد از
 علم بهره اندوز گردد و اگر شیفته مجنونی دلارامست و در اشتیاق وصل وی مبتلا
 و بیقرار است بعد از مدتی از وصل او کامیاب گردد هر مشکلی که داری از توقف
 حل میشود اگر مرضی دارد از آن صحت خواهد یافت در علاج کردن تساهل بناید
 کرد اگر چند روزی از سختی خواهند گذشت لیکن بعدش ایام سعادت پیش
 خواهد آمد و گوئی بختش روشن خواهد شد صاحب دولت و ثروت دستگیری
 او کند و بسیار مهربان گردد از دولت مالمان خواهد گردید بروز چهارشنبه
 یا پنجشنبه بزرگ فاختائی و موزک صدقه بدهد اگر انگشت بر قفسه افتد عیش و عشرت
 رو نیا باشد چون که این شماره همین تاثیر است بهر حاجتی که دارد و زود حاصل
 گردد در بخت او بامارت رسیدنت بحبب نیست که وزارت شاهی حاصل شود
 خالص زود پامیال گردد و عینی که دارد دور شود از دور ویشی کامل طمانی گردد و در
 او را علم کیمیا آموزد اگر نزول آینه باهستولی است از آب پر بهر لازمست حالا
 که در این روز خاطر او پریشان مگر شتاب صورت اطمینان مشاهده کند اگر گنتای
 عزیزند و لبند دارد و فرزند سعادت مند خداوند تعالی عنایت فرماید و مجنون را لغا
 بدست آید که دلش از آن آرام یابد بروز دوشنبه برنج و خرما صدقه بدهد

فصل ششم در بیان ماههای قمری و نایر کنجهای کس و مقرر در عقرب

ماهان سن و کمان نجوم در خواندن عملیات عایت ماههای قمری همچون ماههای
 شمس و اشته اند چنانچه هر ماه را ده عشره معین ساخته اند اول عشره بنابر کاشی
 و فتح و مقرر بنابر محبت و تسخیر متقی بنابر عداوت و حامل اباید که در این هر دو
 لحاظ دارد یعنی بنابر وسعت روزی و تسخیر و شفای مرض و زود دوشنبه و برنج

و ترقی دولت روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعت اوقات اعداد روز شنبه و یکشنبه و برای
 زبان بندی و غیره روز یکشنبه و سه شنبه معین سازد خیال تاریخهای ذیل پیش نهاد دارد
 در شرح سفر سعادت از حضرت عباس نقل کرده است که در هر ماه هفت روز محسوس است
 از آن هفت روز باید نمود سه پنج و شانزده و بیست یک و بیست چهار و بیست و پنج از حضرت
 علی علیه السلام روایت کرده اند که عاقله باید که در این روزگار جدید آغاز نماید چرا که
 کارش با انجام بخواند رسید **والله اعلم بالصواب** و در هر کار جدید خیال در عقرب نیز
 باید داشت شاعری این حساب منظوم ساخته برای ملاحظه درج کرده میشود
 عقرب باشد هر هفتی دو نیم روز آرد گران هر که کاری کو کند بنید خطر آنکه زبان
 یا زده اند را سازد هشت اند سادست شش به بجا دون سه با سن یک بجای
 بیست آمد با گن بیست شش آمد بر یک بیست درگاه آمد بیست یک به گن دران
 هفت اند جیت شمر شانزده بیساکه کسبه سیزده در جیبید گیر این نمیدانی بدان

باب سوم در بیان در فصل

فصل اول در بیان معنی اعداد و ایجاد در اکثر رسائل مرسومست که عاقله برای
 نقش پر کردن در متن حساب جعل ضروریست و بی در یافت اعداد حروف در اکثر امور
 وقت میافند لهذا اعداد نوشته میشوند اول معنی ایجاد دریافت باید کرد در متن القات
 و عیاش نوشته است که هر اسم شخصی است که نوشتن از او ایجاد شده است و این نوشته
 کلمات معنی ایجاد و هوز و غیره اسمهای بیست فرزندان او هستند و در برابر ضوابط عظیم
 آغاز کرد هوز پرت آمد حطی واقف شد کلمن سخن گو شد معقصر این آموخت محرم
 ترتیب کرد و شخذه نگاهداشت ضنظع تمام ساخت و نیز اهل لغت معانی این الفاظ
 دیگر هم هستند در این مختصر ساله مختصر نوشته شد جدول ایجاد که در صورت دیدن
 از علم خبر اخذ کرده شده است اینها هفت کلمه هستند و هر کلمه چهار حرفی است و
 هر یک کلمه بیسده سیاره قطن دارد و در این هفت حرف آشتی و هفت باوی
 و هفت آبی و هفت خاکی هستند و این هفت حرف حقی که هر اسم شخصی باشد

تعلق اسم او از آن ستاره باشد پس باید که بخور مواضع آن ستاره بسوزاند تا آتیا الله تعالی زود تر اثر خواهد بخشید و مقصد او حسب نخواهد برآمد

مبتدیه	فصل	مشتری	مذبح	شمس	قصر	نشت	د
۱	۵	ط	۹	۴	۸۰	عطار	د
۲	۶	ی	۱۰	۵۰	۹۰	ت	۸۰
۳	۷	ز	۲۰	۶۰	۱۰۰	ث	۹۰
۴	۸	ح	۳۰	۷۰	۲۰۰	ج	۱۰۰

در فصل دوم در بیان حروف بهی است

حاکمان فن عمل و کاران علم نجوم را لازمست که اول زکوة حروف بهی دانند و بعدش هر عمل که خواهند نمود تا پیش از خود تر بنویسند و در جهت حفظ خواهند نمود اکثر الفها صغیر را از آن آغاز میکنند و زکوة حروف بهی بنویسند و از الفها صغیر که در قافه بنویسند است از جان عزیز میشود و از جهت دیگر نیکو کارهای عمل خواندن این حروف بهی بنویسند و سبب نیکو احوالی قضیه برعکس میکند و خواننده عمل در این باره میشود و بعضی میگویند که این بیت است حروف اسم باره تعالی جل شانهد که در شکرستان این اسمها تسبیح خداوند عزوجل میگویند و عظمت و شان آنها از نظر اول در حقیقت است که اینها الفاظ قرآن مجیدند و همه اسمها از اینها تربیت مییابند و مرتبه زکوة اینها بسیارند که اگر آسان مرتبه اینست که روزی یکبار چهار هزار و چهل و چهار مرتبه اینست و روزی بلافاصله بخواند و اگر مشکلی پیش آید یکبار و هشتصد مرتبه در وقت نیت بخواند آن شکل عمل خواهد شد لیکن مهارت حریفان حای طاهر فرود آید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 یا عَزَّوَجَلَّ یا عَزَّوَجَلَّ یا عَزَّوَجَلَّ
 یا مِکْبَلُ یا مِکْبَلُ یا مِکْبَلُ
 یا کَلِمَاتُ یا کَلِمَاتُ یا کَلِمَاتُ

یا اضر ائیل بخت یا اذال	یا در زائیل بخت یا اذال	یا امکا ئیل بخت یا اخاء
یا هو اکیل بخت یا سپین	یا شرف ائیل بخت یا راز	یا امواکیل بخت یا راز
یا عطا کئیل بخت یا صاد	یا اهجیا ئیل بخت یا ضا	یا همتو ائیل بخت یا شین
یا الوما ئیل بخت یا بن	یا الموز ائیل بخت یا ظاء	یا انسا ئیل بخت یا ظاء
یا عطر ائیل بخت یا قاف	یا سحر اکیل بخت یا فاء	یا الوضا ئیل بخت یا غین
یا در ویا ئیل بخت یا مینم	یا ظاط ائیل بخت یا لام	یا حرف زائیل بخت یا کاف
یا در ویا ئیل بخت یا هاء	یا در قما ئیل بخت یا واو	یا هوز ائیل بخت یا نون
	یا سر کظا ئیل بخت یا یا	

باب چهارم مشتمل بر سه فصل

فصل اول در نواد و اسام تقویات باید دانست که تقوید را چهار اقسام است
 بادی - خانی - آبی - تقوید آتشی آنرا گویند که بر کافذ یا بر سفال آب نارسیده یا پوست آدم
 یا لوح چینی نوشته در آتش اندازند یا قریب دیگران دفن سازند برای نتوحات و خواب بندی
 و غیره است و تقوید بادی اینست که تقوید را بر درخت یا جایی بلند آویزان کنند تا که از بار
 جنبش کند برای جنب و بنان بندی است و تقوید آبی اینست که تقوید در دریا یا نهر یا حوض
 یا چاه اندازند برای تسخیر یا خلاصی مقید و غیره باید کرد و تقوید خالی اینست که زیر آستان
 یا راه یا چو را بر یکوستان و غیره دفن کرده شود برای بلائی دشمن و غیره است اگر تقوید
 آتشی نویسد خیال این شرط میدارد که بر یک نانوشتند روی خود بطرف مشرق سازد
 و قریب یکدان یا تنور نویسد و اگر تقوید بادی نوشتن منظور گردد این معنی را پیش نظر دارد
 که بنا بر شخصی تقوید نوشتن است در اسم او این یا زده حرف نباشند آب ج دو ق
 ه ل ن ص ط و باید که بر جای بلند نشسته تقوید بنویسد که در آنجا آمد و رفت باد بجزئی
 باشد در و بطرف مغرب کند و اگر تقوید آبی نویسد بر کنار دریا یا حوض نشسته نویسد
 اگر در آب نشسته باشد اسب است و در بجانب شمال کند و اگر خاکی نویسد این چهار شرط
 ملحوظ میدارد خانه از غیر کس خالی باشد و در بجانب جنوب گردد و اندکی بری خوشن
 مثل حود و از یک مذنوبر زمین نشیده و آن تقوید را **تقوید کاف** گویند

فصل دوم در بیان تقوید نوشتن هر که تقوید نوشتن خواهد برای زبان بندی و خواب
 بندی در ساعت عطار و قلم درست سازد و جهت تیغ بندی در ساعت تریخ و بنا بر دستنی و
 مفارقت در ساعت زحل و برای الفت در ساعت قریبا شتری و برای ترقی رزق در میان
 خنجره و اوقات نوشتن اینست وقت صبح برای محبت و برای ترقی رزق وقت نیم چاشت
 تقوید دفع مرض و تقوید عداوت در میان ظهر و عصر تقوید زبان بندی وقت نماز
 عشا تقوید خواب بندی در ساعت عطار راست این اوقات نوشتن تقویدات است
 و او سبزی پوش و ابوالقاسم غزالی درهما ته منقولست و شرائط نوشتن تقویدات اینست که
 جمله تقویدات با طهارت جسم و با وضو نویسد و قبل از نوشتن خود را خوش بشود و در
 آغاز هر تقوید اول ۸۶ عدد بسم الله نویسد و تیسکه نوشتن آغاز کند اول با یا حافظ یا
 وقت یا وکیل بخواند و بر خود بدعا از جهت محفوظ ماندن و باین تقوید نوشتن با احدی
 حرف نگفتگو نکند و از اتقان سایه زمان بخش غیر محرم پر همیز نماید و اگر تقوید محبت نویسد
 در ج ماه قلم در دست گیرد و کاغذ بر زانوی راست بندد چیزی از شیرینی در دهان گیرد
 و شکر در فیدله روشنی اندازد و تقوید را از مشنگ و زعفران نویسد انسابست و حال مطلوب
 در دل دارد چنانکه روبروی او موجود است و روی خود بسوی خانه مطلوب کند و تقوید حبت
 برای حرام هرگز نباید نوشت قاضی اگر خواهد مرد با زن الفت کند اول اسم زن بعد اسم
 مرد نویسد و تقوید برای مرض و سحر بخونش ولی نویسد و اگر برای عداوت نویسد اول
 کاغذ بر زانوی راست بندد بعد قلم در دست گیرد و چیزی ترش یا تلخ در دهان گیرد و در
 اندکی سر که آینه می نویسد و بهیئت که بهندی آنرا هینک میگویند بسوزاند و در آخر ماه نوشتن
 بسیار مفید است مگر تقوید برای مفارقت زن و شوهر هرگز نباید نوشت اگر نویسد گناه است
 و اگر تقوید زبان بندی و تیغ بندی و خواب بندی منظور باشد اندکی سوم در دهان گیرد و در این
 زمان نهد وقتی که تقوید را تمام کند باز نگاه داشته که بید و تقوید زبان بندی در سخن
 براند اگر تقوید خواب بندی تیغ بندی خیره نویسد میل گردد در دهان گیرد و تقوید از آسیای
 کند

فصل سوم در بیان بزرگ کردن نقش

نقش سیستان

قاعده پر کردن نقش اینست که هر اسم یا آبی را بخش پر کردن منظور باشد از آن اسم یا
 هر قدر حرف نوشتن میان عدد آنها بر آورد و دوم فیکه خوانده نشود مگر در مختصر عددش نباید گرفت
 و تیسکه حرف بر آورده شد تا از آنجا دوازده عدد ساقط کند باقی را سه حصه ساخته حصه را در خان
 اول نویسد مثلا نحو آدر این لفظ حرف کتوبی سه است ح و ا در طغولی چهار است و ک
 ح و و او یک الف پس عدد حرف کتوبی پانزده است از آنجا دوازده از آن حذف
 سه باقی ماند آنرا سه حصه ساخته یک در حصه بر آید آن یک حصه را در خانه اول نویسد
 بعد از آن یک بر آن یک افزود در هر خانه نویسد بر این مثال که اول عدد بمقامی که نوشته
 بموجب مقدار اسب شش هر خانه که باشد در آن دو نیمی عدد نویسد و سوم عدد نیز بر مقدار
 خانه که بعد دوم خانه افتد بنویسد و عدد چهارم در آن خانه نویسد که از خانه سوم بر مقدار
 باشد و پنجم در آن خانه نویسد که از خانه چهارم بر مقدار فرزین باشد و ششم در آن خانه نویسد که
 از خانه پنجم بر مقدار فرزین باشد و هفتم در آن خانه نویسد که از خانه ششم بر مقدار فرزین باشد و هشتم در آن
 خانه نویسد که از خانه نهم بر مقدار اسب و نهم در آن خانه نویسد که از خانه دهم بر مقدار اسب باشد
 پس هر خانه ای مثلث پر شده در نقش مثلث تا و تیسکه بعد حذف کردن دوازده اعداد
 بر سه منقسم نشوند نقش پر کرده نه بیشتر و نه کمتر

اسب	۱	۶ فرزین
اسب	۵ فرزین	۷ بخ
اسب	اسب	۴ بخ

در اسب ۶ و فرزین ۱ بگیر دو اسب و مثلث را دست تصویر
 در کتب معتبره طریقه پر کردن نقش مثلث آتشی بادی آبی و
 خاک و کسور آن باین طریق نوشته است که آتشی را از خانه اول آغاز کند و کسور اعداد در
 خانه هفتم و دو را در خانه چهارم و بادی را از خانه سوم بر کند و کسور یک در چهار و کسور دوم
 در هفتم و آبی را در خانه هفتم بنویسد کسور یک در چهارم و کسور دوم در هفتم و خاک را از
 خانه نهم آغاز کند و کسور یک در چهارم و کسور دوم در هفتم بر کند آتشی نقش مثلث مکمل خوان
 شد و نقشها در صفو بعد است آقا باید دانست که طریقه پر کردن نقش مربع اینست که ابتدا
 قاعده اعداد بر آورده بر آنجا سی عدد خارج سازد و باقی را بر چهار تقسیم کند اگر تقسیم
 مساوی نماند یک عدد را در خانه اول بنویسد مثلا اگر کل اعداد سی و چهار اند بعد که کسور

سی چهار باقیمانده چهار را بر چهار تقسیم کردند تقسیم مساوی شد در حصه یکتا یک آمد بخصه

بادی			آبی		
۸	۳	۴ کسرا	۶	عزرائیل	
۶	۵	۹	۵	کسرا	
۶	۷	۲ کسرا	۲	۹	۴ کسرا
خاکی			آبی		
۷	۹	۴ کسرا	۳	کسرا	
۶	۵	۲ کسرا	۵	میکائیل	
۶	۶	۵	۲	۷	۲ کسرا

در اول خانه نوشت بعد عدد دومی را بهمان خانه نویسند که از خانه یکتا برقرار است باشد
 در خانه نویسند که از خانه دوم برقرار فرزند باشد و چهارم در خانه که از خانه سوم برقرار است
 باشد و پنجم در خانه که از خانه چهارم برقرار است باشد و ششم در خانه که از خانه پنجم برقرار است
 باشد و هفتم در خانه که از خانه ششم برقرار فرزند باشد و هشتم در خانه که از خانه هفتم
 برقرار است باشد و نهم در خانه که از خانه هشتم برقرار فرزند باشد مگر باین صورت که از دیگر
 اعداد در قاضی شده و نباید بود و نهم در خانه که از خانه نهم برقرار است باشد و
 یازدهم در خانه که از خانه دهم برقرار فرزند باشد و دوازدهم از خانه که از خانه دهم پنجم
 برقرار فرزند باشد و سیزدهم پنجم بخانه که از خانه چهارم برقرار باشد و چهاردهم پنجم
 که از خانه سوم برقرار فرزند باشد و پانزدهم پنجم بخانه که از خانه دوم برقرار فرزند باشد
 و شانزدهم پنجم بخانه که از خانه یکم برقرار فرزند باشد پس همه خانه ها پر خواهند شد
 و اگر بعد از تقسیم یک عدد باقی ماند مثلاً کُل عدد سی پنج هستند سی را حذف کردند
 پنج باقی ماند پنج را بر چهار تقسیم کردند یک حصه شد و یک باقی ماند یک حصه کسری
 خانه نویسند و نوشته باشد حتی که تا خانه سیزدهم برسد اندر آن یک عدد زیاد
 کند و اگر عدد بعد تقسیم باقی ماند در این صورت در خانه هم یک عدد زیاد کند اگر عدد
 باقی ماند در خانه پنجم یک زیاد کند مثلش در صفحه چپ نوشته شده است

دوسری مثال اس که بعد از ۳				پیل مثال اس که بعد از ۳			
۸	۱۱	۱۵	۱	۱	۱۱	۱۵	۱
۱۴	۲	۷	۱۲	۱۲	۲	۷	۱۲
۳	۱۷	۹	۶	۶	۱۷	۹	۳
۱۰	۵	۴	۱۶	۱۶	۵	۴	۱۰
چون می مثال اس که بعد از ۳				سری مثال اس که بعد از ۳			
۹	۱۲	۱۵	۱	۱	۱۲	۱۵	۸
۱۴	۲	۸	۱۳	۱۳	۲	۷	۱۱
۳	۱۷	۱۰	۷	۷	۱۷	۱۰	۳
۱۱	۵	۴	۱۶	۱۶	۵	۴	۱۱

شرفی است که درین اسب بخ با سبک و بی دردی در مرغ هر طرف دوری
 و برای برگردن شدت مرغ طریقی دیگر هم هستند ولی در اینجا بهین مختصراً تذکره شد
باب پنجم در بیان عملیات و تقویذات مستحق بر بجهده فصل
فصل اول در عملیات و تقویذات برای رفع حاجات و قوی کسی را حاجت پیش آید
 باید که وقت نماز عشا یا حتی یا قیوم بحق لا اله الا انت سبحانک انک انت من الظالمین
 اعتقاد مرتبه بخواند و بعد از ظالمین اظهار مطلب خود نماید انشا الله تم در میان عرض و پلای و پیش
 حاصل گردد و مجرب و آزموده است حضرت شاه اهل اندرون در چهار باب نوشته اند که برای هم
 سعادت خود خواه جلالی باشد یا جمال برای او حکم کبریت احمد دارد و آنرا اسم اعظم شمار کرده اند
 نام انظالمین است و حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که این دعا را در وقت
 در شکم ای خواند مسلمانان که برای مطلب خود این آیت را خواندند و دعا کنند قبول خواهد شد
 اینست که این دعا بدست جبریت بر امری که خواهد در میان آید مقصد باشد حاصل کند و نقل
 است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هر که بدو بعد از این آید دعا کند حاجت او برسد
 که کسی بدو بعد از این آید دعا کند و حاجت او برسد و بر سر هر شلخی اجتماعند و طریقۀ شریفی

نقش سلیمانی

بسیارند و طریقه آسان و هستند از آنجمله اینست که تا دوازده روز بلا فاصله دوازده هزار مرتبه بخواند طریقه دوم اینست که هر روز تا چهل روز یک کلمه در بیت و پنجم مرتبه بخواند خلاصه اینست که سریع تاثیر است و در آن شکی نیست چرا که عملی نیست که صحت آن از فرقان حمید مشهور گردد
 ایضا از حضرت شیخ منقولست که یا بدیع العجایب یا بخیر یا بدیع یک هزار و دویست مرتبه تا دوازده روز بر فرش ظاهر بر جوع قلب بخواند و بر همان فرش بخوابد و هر روز غسل نماید و از گوشت و غیره پرهیز نماید برای حصول مدعا و بر آمدن حاجات مجربست هر که بنا بر حصول مقصد بکثرت بخواند انشاء الله مرادش بر آید هر روز راورد شریف واقع و نیز باورد در روز شریف بسیار مجربست ایضا در بیان ختم صلوة یحییاء دعویج باب بیست و هفتم آغاز نماید وقتی که خواندن منظور باشد آن روز را روزه دارد و وقت افطار بشیر برنج افطار نماید و غسل نماید پارچه ظاهر مثل چادر و غیره بپوشد و بزرگ آسان استاده یکین از مرتبه بخواند انشاء الله در وقت مطبلش بر آید برای هر حاجتی بسیار مجربست و در شریف اینست
 اللَّهُمَّ عَلَي سَيِّدَاتِنَا مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ تَجْنِينَا مِنْ جَمِيعِ الْأَحْوَالِ وَالْآفَاتِ وَ تَقْضِي لَنَا بِهَا جَمِيعَ الْحَاجَاتِ وَ تَطَهِّرُ نَفْسَنَا مِنْ جَمِيعِ الْخَيْرَاتِ فِي الْحَيَاةِ وَ بَعْدَ الْمَمَاتِ أَيْضًا
 برای جمیع حاجات یک کلمه بیست هزار مرتبه در یک مجلس بلفظ یا چند نفر بخوانند لیکن بعد و طاق باشند یا هر که می آید از من بجنب المصطر اذا دعاها هر شکلی که پیش آید روز در آسان گردد و مجربست ایضا ترکیب ختم خواجگان حضرت خواجہ بشا الدین نقشبند و خواجہ بایزید بسطامی و خواجہ ابوالحسن خرقانی و خواجہ عبدالحق عجمه و ابی و خواجہ احمد و سوانی و خواجہ ابوالمنصور ماتریدی و خواجہ یوسف همدانی و خواجہ بابا ساسانی و خواجہ محمد نقشبند و خواجہ عبد الله اصرار هر که این ختم را تا سه روز بخواند خداوند مقیم کثیر حاجتهای او نماید و او فرماید ترکیب خواندن اینست که اول قدری شیری گرفته آنکند یک مرتبه و قل هو الله سب بار بخواند ثواب بزرگوار پاک خواجگان قربت نماید و هفت مرتبه آنکند بخواند و یکصد مرتبه هر سو که بخواند باسمه بخواند بوی خوش بموزاند و هر سه یکصد یکبار بخواند یا قاضی الحاجات یا کاتب الملمات یا رافع الدرجات یا لافع البلیات یا مفتح الأبواب یا شافی الأخرین

نقش سیستانی

ح ۲۳

یا حلالات المشكلات یا مسبب الاسباب یا مجیب الدعوات یا ارحم الراحمین آمین
 این ختم شریف را وقتیکه خواهید بخواند بهتر آنستکه بر روز و شبند یا مجئنه یا جمعه شروع کند و اکثر مشایخ
 کبار فرموده اند که بعد از نماز عصر بخواند این ختم برای حصول مطالب بر سفید است ایضا اگر
 برای حصول مقصود ختم سوره تسبیح بخواند خدا تعالی حاجت رفع فرماید و طریق خواندن آنست که درین
 جلسه بیست و پنج یا هفت کس با هم عقاد و دو مرتبه بگوید اول در سجده نشسته بخواند و قبل از خواندن
 یکصد مرتبه درود شریف خوانده شود انعیل اکثر از مشایخ کبار منقول و آرموده اهل حاجات است
 ایضا وقتی که مشکلی سخت پیش آید این باغی شیخ ابوالخیرزه یا نبطریق اول وضو گیرد و بعد
 بقبله بنشیند و شیرینی زرقه فاتحه حضرت مدوح کند و در شریف بعد طاق بخواند عقاد مرتبه ثانی
 و خیال مطمح خود در دل آورد هر مرتبه بعد باغی شیخ ابوالخیر سعید گوید وقتی که بوجوب عقاد مرتبه اول
 رباعی بخواند ختم کند و در شریف بخواند این باغی اثر دعای قاضی الحاجات دارد و رباعی است
 یارب مجتهد و علی تدر بر ستره ۱ یارب مجتهد و حسن آن آل عبنا
 که لطف بر آر حاجتسم در دوسرا ۲ ابی منت حسیق یا علی الاعلی

ایضا این نقش تمام اعداد قرآن مجید است بزرگی فرموده که برای حصول مطالب
 از بس مفید است طریق مذکور آن بسیارند لیکن طریقه آسانترش این است که این
 نقش متبرک را هر روز پنج چله صد و پنجاه و یک حسب اعداد لفظ قرآن نوشته

۹۰۴۲۳۱۸	۹۰۴۲۳۲۳	۹۰۴۲۳۲۵	۹۰۴۲۳۲۷
۹۰۴۲۳۲۹	۹۰۴۲۳۳۱	۹۰۴۲۳۳۳	۹۰۴۲۳۳۵
۹۰۴۲۳۳۷	۹۰۴۲۳۳۹	۹۰۴۲۳۴۱	۹۰۴۲۳۴۳
۹۰۴۲۳۴۵	۹۰۴۲۳۴۷	۹۰۴۲۳۴۹	۹۰۴۲۳۵۱
۹۰۴۲۳۵۳	۹۰۴۲۳۵۵	۹۰۴۲۳۵۷	۹۰۴۲۳۵۹
۹۰۴۲۳۶۱	۹۰۴۲۳۶۳	۹۰۴۲۳۶۵	۹۰۴۲۳۶۷
۹۰۴۲۳۶۹	۹۰۴۲۳۷۱	۹۰۴۲۳۷۳	۹۰۴۲۳۷۵
۹۰۴۲۳۷۷	۹۰۴۲۳۷۹	۹۰۴۲۳۸۱	۹۰۴۲۳۸۳
۹۰۴۲۳۸۵	۹۰۴۲۳۸۷	۹۰۴۲۳۸۹	۹۰۴۲۳۹۱
۹۰۴۲۳۹۳	۹۰۴۲۳۹۵	۹۰۴۲۳۹۷	۹۰۴۲۳۹۹
۹۰۴۲۴۰۱	۹۰۴۲۴۰۳	۹۰۴۲۴۰۵	۹۰۴۲۴۰۷
۹۰۴۲۴۰۹	۹۰۴۲۴۱۱	۹۰۴۲۴۱۳	۹۰۴۲۴۱۵
۹۰۴۲۴۱۷	۹۰۴۲۴۱۹	۹۰۴۲۴۲۱	۹۰۴۲۴۲۳
۹۰۴۲۴۲۵	۹۰۴۲۴۲۷	۹۰۴۲۴۲۹	۹۰۴۲۴۳۱
۹۰۴۲۴۳۳	۹۰۴۲۴۳۵	۹۰۴۲۴۳۷	۹۰۴۲۴۳۹
۹۰۴۲۴۴۱	۹۰۴۲۴۴۳	۹۰۴۲۴۴۵	۹۰۴۲۴۴۷
۹۰۴۲۴۴۹	۹۰۴۲۴۵۱	۹۰۴۲۴۵۳	۹۰۴۲۴۵۵
۹۰۴۲۴۵۷	۹۰۴۲۴۵۹	۹۰۴۲۴۶۱	۹۰۴۲۴۶۳
۹۰۴۲۴۶۵	۹۰۴۲۴۶۷	۹۰۴۲۴۶۹	۹۰۴۲۴۷۱
۹۰۴۲۴۷۳	۹۰۴۲۴۷۵	۹۰۴۲۴۷۷	۹۰۴۲۴۷۹
۹۰۴۲۴۸۱	۹۰۴۲۴۸۳	۹۰۴۲۴۸۵	۹۰۴۲۴۸۷
۹۰۴۲۴۸۹	۹۰۴۲۴۹۱	۹۰۴۲۴۹۳	۹۰۴۲۴۹۵
۹۰۴۲۴۹۷	۹۰۴۲۴۹۹	۹۰۴۲۵۰۱	۹۰۴۲۵۰۳
۹۰۴۲۵۰۵	۹۰۴۲۵۰۷	۹۰۴۲۵۰۹	۹۰۴۲۵۱۱
۹۰۴۲۵۱۳	۹۰۴۲۵۱۵	۹۰۴۲۵۱۷	۹۰۴۲۵۱۹
۹۰۴۲۵۲۱	۹۰۴۲۵۲۳	۹۰۴۲۵۲۵	۹۰۴۲۵۲۷
۹۰۴۲۵۲۹	۹۰۴۲۵۳۱	۹۰۴۲۵۳۳	۹۰۴۲۵۳۵
۹۰۴۲۵۳۷	۹۰۴۲۵۳۹	۹۰۴۲۵۴۱	۹۰۴۲۵۴۳
۹۰۴۲۵۴۵	۹۰۴۲۵۴۷	۹۰۴۲۵۴۹	۹۰۴۲۵۵۱
۹۰۴۲۵۵۳	۹۰۴۲۵۵۵	۹۰۴۲۵۵۷	۹۰۴۲۵۵۹
۹۰۴۲۵۶۱	۹۰۴۲۵۶۳	۹۰۴۲۵۶۵	۹۰۴۲۵۶۷
۹۰۴۲۵۶۹	۹۰۴۲۵۷۱	۹۰۴۲۵۷۳	۹۰۴۲۵۷۵
۹۰۴۲۵۷۷	۹۰۴۲۵۷۹	۹۰۴۲۵۸۱	۹۰۴۲۵۸۳
۹۰۴۲۵۸۵	۹۰۴۲۵۸۷	۹۰۴۲۵۸۹	۹۰۴۲۵۹۱
۹۰۴۲۵۹۳	۹۰۴۲۵۹۵	۹۰۴۲۵۹۷	۹۰۴۲۵۹۹
۹۰۴۲۶۰۱	۹۰۴۲۶۰۳	۹۰۴۲۶۰۵	۹۰۴۲۶۰۷
۹۰۴۲۶۰۹	۹۰۴۲۶۱۱	۹۰۴۲۶۱۳	۹۰۴۲۶۱۵
۹۰۴۲۶۱۷	۹۰۴۲۶۱۹	۹۰۴۲۶۲۱	۹۰۴۲۶۲۳
۹۰۴۲۶۲۵	۹۰۴۲۶۲۷	۹۰۴۲۶۲۹	۹۰۴۲۶۳۱
۹۰۴۲۶۳۳	۹۰۴۲۶۳۵	۹۰۴۲۶۳۷	۹۰۴۲۶۳۹
۹۰۴۲۶۴۱	۹۰۴۲۶۴۳	۹۰۴۲۶۴۵	۹۰۴۲۶۴۷
۹۰۴۲۶۴۹	۹۰۴۲۶۵۱	۹۰۴۲۶۵۳	۹۰۴۲۶۵۵
۹۰۴۲۶۵۷	۹۰۴۲۶۵۹	۹۰۴۲۶۶۱	۹۰۴۲۶۶۳
۹۰۴۲۶۶۵	۹۰۴۲۶۶۷	۹۰۴۲۶۶۹	۹۰۴۲۶۷۱
۹۰۴۲۶۷۳	۹۰۴۲۶۷۵	۹۰۴۲۶۷۷	۹۰۴۲۶۷۹
۹۰۴۲۶۸۱	۹۰۴۲۶۸۳	۹۰۴۲۶۸۵	۹۰۴۲۶۸۷
۹۰۴۲۶۸۹	۹۰۴۲۶۹۱	۹۰۴۲۶۹۳	۹۰۴۲۶۹۵
۹۰۴۲۶۹۷	۹۰۴۲۶۹۹	۹۰۴۲۷۰۱	۹۰۴۲۷۰۳
۹۰۴۲۷۰۵	۹۰۴۲۷۰۷	۹۰۴۲۷۰۹	۹۰۴۲۷۱۱
۹۰۴۲۷۱۳	۹۰۴۲۷۱۵	۹۰۴۲۷۱۷	۹۰۴۲۷۱۹
۹۰۴۲۷۲۱	۹۰۴۲۷۲۳	۹۰۴۲۷۲۵	۹۰۴۲۷۲۷
۹۰۴۲۷۲۹	۹۰۴۲۷۳۱	۹۰۴۲۷۳۳	۹۰۴۲۷۳۵
۹۰۴۲۷۳۷	۹۰۴۲۷۳۹	۹۰۴۲۷۳۱	۹۰۴۲۷۳۱

در آرد غلبه بسته در دریا اندازد انشا الله تمام
 بعد ختم چله بجز خواهد آمد خوشامتی کسی که
 عمل نقش در آید بعد از حاجت امری بخواند
 ماند هر یک نقش بیاسم میباشد و نقش
 اسماست چرا عاقلش محدود ماند وقتی که
 متنی یا حاجتی پیش آید این نقش را در هر روز
 پنجاه بجز اعداد الله کافی الهامات کافی
 حاجت را شرف مانده در دریا اندازد

ایضا طریقی عمل سوره اخلاص اینست که بر روز پنجشنبه در عروج ماه بتاریخ طاق روزه
 بدارد و از شب گذشتن سه پاس غسل کند و بشیرینی فاتحه موکلان دهد و برای خوشبختی
 لوبان بسوزاند و اول و آخر در شریف چهارده مرتبه خواند سوره اخلاص را چنان
 صد مرتبه بخواند و این نقش را نویسد انشاء الله تعالی بمقصود خواهد کامیاب شود

لکھی ع ص بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ح مع س ق
 بحق یا جبرائیل بحق یا میکائیل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ	فلا	هو	الله	احد	الله	الصد	احد	الله	بلذ
	هو	الله	احد	الله	الصد	احد	الله	بلذ	مع
	الله	احد	الله	الصد	احد	الله	بلذ	مع	بولذ
	احد	الله	الصد	احد	الله	بلذ	مع	بولذ	مع
	الله	الصد	احد	الله	بلذ	مع	بولذ	مع	بولذ
	الصد	احد	الله	بلذ	مع	بولذ	مع	بولذ	بولذ
	مع	بولذ	مع	بولذ	مع	بولذ	مع	بولذ	بولذ
	بلذ	مع	بولذ	مع	بولذ	مع	بولذ	بولذ	بولذ

ایضا هر کس که مصیبتی پیش آید آیة قطب بخواند خواص این بسیارست از آنجمله چند
 خواص تجریر میانند اول اینست که اگر همی پیش آید چهل مرتبه هر روز بلا فاصل
 بخواند و قدر این است که برای هلاکت ظالم بیت و یکمرتبه هر روز بلا فاصل بخواند
 تا بیت دیگر روز سوخته است که دفع غم و فکر بیت و نه مرتبه هر روز تا بیت
 روز چهارم تا برای توانگری هر روز ده مرتبه خوانده شود و پنجم برای تب لرز و زوال
 یا چیزی دشته بریض بخواند مشتمل برای سلامتی اهل و عیال و مال و غیره هر روز پنج مرتبه
 بخاند برای هر مرض و نظر بد و سحر نقش آیه کریمه نوشته بر گلوبندد انشاء الله تعالی
 از مرض سحر و نظر بد نجات یابد و نقیض در میان صفحه نوشته شده نقش دیگر در صفحه

۸	۴۶۷۲	۴۶۷۱	۱	۴۶۷۰	۵۵۶۹	۵۵۶۸	۵۵۶۷	۵۵۶۶
۴۶۷۱	۸	۱	۴۶۷۰	۴۶۷۰	۵۵۶۷	۵۵۶۶	۵۵۶۵	۵۵۶۴
۸	۴۶۷۰	۴۶۶۹	۴	۴۶۶۸	۵۵۶۵	۵۵۶۴	۵۵۶۳	۵۵۶۲
۴۶۶۹	۵	۴	۴۶۶۸	۴۶۶۷	۵۵۶۳	۵۵۶۲	۵۵۶۱	۵۵۶۰

حاجتش بر آید برای شفای امراض بر کاسه چینی نوشته بشود بر بیض بخوانند ان شاء الله
 باده فصل دوم در عملیات و تقویذات بجهت وسعت رزق خیم
 هر که برای وسعت رزق و طلب جاه و عزت این آیه را میسرته با حضور قلب بخواند رزق
 او از غیب فراخ گردد آیه کریمه اینست **اللَّهُ لَطِيفٌ بَعِيَادَهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ**
وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ایضا هر کسی بوقت چاشت چهار رکعت نماز بر نیت چاشت
 بخواند در رکعت اول بعد از حمد سوره و اششس و در رکعت دوم بعد از حمد سوره
 و التیس و در رکعت سوم سوره و الضحی و در رکعت چهارم سوره الم شرح بخواند
 و سلام گوید و یازده مرتبه ورد شریف بخواند بعد پانزده مرتبه اذ جاء نصر الله و
 بخواند و پانصد مرتبه یا باسبط بخواند و بعد بده کند و دستها را برای دعا گرد
 بند کند و این دعا را پانزده مرتبه بخواند یا باسبط الله الذي يبسط الرزق لمن
 يشاء بغير حساب و سر از سجده برداشته یازده مرتبه ورد شریف بخواند
 و این عمل را تا چهل روز برابر کند و بروز پنجشنبه در عروج ماه آغاز کند ایضا
 از خواجده بجاء الدین قدس سره منقول است که هر که سوره الم ترکیف بعد از
 نماز ظهر نیت و میسرته بخواند رزق او از غیب گشاده گردد ایضا برای متوحات
 باید که در ماه صفر بروز چهارشنبه آخر آغاز نماید و بعد هر ماه بروز چهارشنبه در دریا یا
 حوض غسل کند و در آب ایستاده هشتاد و سی مرتبه یا باسبط بخواند این طریقه
 بسیار آسانست و از بزرگان طریقت طریقه ای دیگر هم منقولست و بر
 اختصار همین کفایت کرده شد ایضا برای ترقی رزق و جمعیت ظاهری

و باطنی در عروج ماه روز پنجمین روزه وارو بعد از نماز فجر غسل کند و در رکعت نماز
 به نیت صاوق الحج بخواند و در هر رکعت بعد حمد آیه الکرسی بکبار و اذاجا بیست و پنج بار بخواند
 سلام گوید و بعد از سلام ورد شریف سیصد مرتبه و یکصد مرتبه کلمه تجید بخواند و بعد در یک
 نشست چهل و چهار مرتبه از مرتبه اسم یا وهاب را بخواند و روزه را بشیر بخواند و افطار کند چنان
 چهار پنجمین امین را بکند و بعد از ختم عمل هر روز بعد از نمازها یکبار و چهار صد مرتبه بخواند
 و وقت خواندن یک نوبت بخواند و آنرا بیک کاری مستعمل سازد ایضا اسم یا معنی یکبار
 یکصد مرتبه بعد هر نماز چهل و یک مرتبه سوره عزرا بخواند و اگر ممکن باشد اگر کسی یا زده مرتبه بخواند
 غنی گردد بعد از احتیاج کرد و از بس مرتبه ایضا هر که سوره واقعه را هر شب یکبار بخواند
 پنج فقره کشتی بزیند و هر چند روزی غنی گردد ایضا برای شایسته رزق و دفع مفسدات
 نقش بارگین کهنه نزد خود نگاه دارد مجرب آزموده است **الالهانت البصره ۱۱۲**
۱۱۱ ماه ایضا ترتیب ختم بسم الله شریف است که اول در شرف آفتاب در وقت
 بسم الله با طهارت نویسد و در هر مقصد و شتادش مرتبه که باین اعداد بسم الله است
 بسم الله تا ما وقت روز بخواند هر مشکلی که پیش آید آسان گردد و بعد هر روز بعد از فراق هر روز
 یکصد مرتبه بخواند مستجاب الدعوات است رزق او مستجاب شود و احدی بر وی غالب نخواهد
 و گشایش رزق او روز افزون باشد و این کتب را امام با طهارت نزد خود بردارد و از خوشبخت
 داشته باشد فایده اش بسیار است که در این مختصر گنجایش آنبانست و شاعری خوش
 خوش گویای ای رسم آرا هر چه بخوانی در رسم تجوی باید که در مرتبه نویسد یک مظهر دوم
 مظهر دوم مظهر بر است مظهر نویسد

۱۸۹	۲۰۲	۱۶۶	۱۹۹
۲۰۰	۱۹۵	۱۶۰	۲۰۱
۱۹۵	۱۹۲	۲۰۵	۱۶۱
۲۰۴	۱۹۲	۱۶۰	۱۹۱

بسم الله	بسم الله	بسم الله	بسم الله
بسم الله	بسم الله	بسم الله	بسم الله
بسم الله	بسم الله	بسم الله	بسم الله
بسم الله	بسم الله	بسم الله	بسم الله

ایضا در کلام قرآن مجید یکصد و نوزده بسم است و جمله عرفان نهاده هر روز یکصد

چهل و هفت اندوکل اعداد اینها است و هشت هزار و هشتصد و هجده است نقش
اینها نوشته نزد خود نگاهدار و ترقی رزق خواهد شد و بر بازوی مریض بنده شفا یابد و اگر
صدق آن هر روز بوقت صبح شفا یابد کند غم از خلاص گردد اسنادش بسیار است مگر در این
مختصر گنجایش بخیر آن نیست ایضا برای گشایش و رفع تنگدستی این نقش را نوشته بردار

۸	۱۲	۱۸	۷
۱۱	۶	۱	۱۳
۵	۱۰	۱۵	۴
۱۹	۳	۹	۶

۲۲۲۰۶	۲۲۲۰۷	۲۲۲۰۸	۲۲۲۰۹
۲۲۲۰۹	۲۲۲۱۰	۲۲۲۱۱	۲۲۲۱۲
۲۲۲۱۲	۲۲۲۱۳	۲۲۲۱۴	۲۲۲۱۵
۲۲۲۱۵	۲۲۲۱۶	۲۲۲۱۷	۲۲۲۱۸

چهارده

ایضا بر دوگان کسی که فروش بسیار کم میباشد این نقش را نوشته بر در بستان کان بچسباند
خریدار از غیب پیدا شود و فروش آن زیاد شود

ایضا هر که این بنویزد را نوشته
نزد خود بدار و رزق مطلق و روز
برحق روزی او را از غیب سازد و آن
نقش را بر کرم و معطر این است

۷	۳	۸	۲	۳	۶	۱
۸	۳	۲	۴	۳	۶	۳
۲	۶	۲	۶	۲	۴	۳
۲	۴	۹	۴	۳	۲	۳
۱	۳	۷	۳	۳	۲	۷
۷	۳	۳	۲	۲	۳	۳
۳	۴	۳	۳	۴	۲	۳

۷۶	۳	۶۸	۶۹
۸۲	۷۰	۷۵	۸۱
۳	۴	۵	۶
۷	۸	۹	۱۰

ایضا هر چه ای اسما حسنی بسیارند لیکن آسان تر بقدا اینست که تمام اسما شریف را
بر روز نود و نهم بنویسد بجواند و در هر ام شریف حرف یا گوید و از گوشت و غیره بر این
کند زکوة تمام شود این طریق برای فراخی رزق میفند است هر که این نقش را نوشته
اسم باری تعالی را نوشته نزد خود دارد رزق از غیب حاصل آید و جود ل اعمال
استما حسنی مرد و بجهت حساب مردف ابجد در پشت صفحه مندرج

میشود

موسک	جنت	کواکب	منازل	ترهین	جوزا	بجز	طباخ	نویز	۱۰۰۰	جالی	صفت	اصداد	الله	۵۱
جوزا	زحل	مشتری	بلهین	جوزا	مشتری	کرم	رطب	بخت	۱۰۰۰	جالی	صفا	۶۵	باق	۵۲
دوازده	مشتری	زهره	دبران	مشتری	مشتری	بارد	بخت	بخت	۷۰	مشک	جمع کوزا	۱۱۳	جامع	۵۳
دوازده	زهره	زهره	بهنه	مشتری	مشتری	کرم	بخت	بخت	۷۲	جالی	صافه	۶۵	دیان	۵۴
دوازده	عطارد	زهره	بهنه	جوزا	کافور	رطب	بخت	بخت	۱۰۰	جالی	دوستان	۴۵	علی	۵۵
دوازده	مشتری	زهره	بهنه	مشکی	مشکی	مشکی	بخت	بخت	۲۰۰	جالی	بزرگ	۳۷	زکی	۵۶
دوازده	زحل	زهره	بهنه	مشکی	مشکی	بخت	بخت	بخت	۷۱	مشک	بزرگ	۱۰۸	جنت	۵۷
دوازده	مشتری	زهره	بهنه	مشکی	مشکی	بخت	بخت	بخت	۳۰۰	جالی	بزرگ	۲۱۵	طله	۵۸
دوازده	مشتری	زهره	بهنه	مشکی	مشکی	بخت	بخت	بخت	۷۲	جالی	بزرگ	۱۰۸	جنت	۵۹
دوازده	مشتری	زهره	بهنه	مشکی	مشکی	بخت	بخت	بخت	۱۰۰۰	جالی	بزرگ	۱۳۰	جنت	۶۰
دوازده	مشتری	زهره	بهنه	مشکی	مشکی	بخت	بخت	بخت	۲۰۰	جالی	بزرگ	۱۱۱	جنت	۶۱
دوازده	مشتری	زهره	بهنه	مشکی	مشکی	بخت	بخت	بخت	۷۲	جالی	بزرگ	۱۲۹	جنت	۶۲
دوازده	مشتری	زهره	بهنه	مشکی	مشکی	بخت	بخت	بخت	۹۰	جالی	بزرگ	۹۰	جنت	۶۳
دوازده	مشتری	زهره	بهنه	مشکی	مشکی	بخت	بخت	بخت	۷۲	جالی	بزرگ	۲۵۶	جنت	۶۴

موسک	جنت	کواکب	منازل	بروج	بجزر	طبایع	شکلا و بناج	شکلا و بناج	خاضیت	معنی	اعداد	الانجیل	ع
هواکب	فیروز	زصل	عمر	وش	نورانی	شکلا	تفسیر	۵۰۰	مشترک	جینی و ناله	۱۸۰	سمیع	س
لو مایکل	فیروز	مشرقی	زبان	سند	فانل و غیره	سرد	و انوری	۲۰۰	جالی	بنزرتی و ناله	۱۱۰	صلح	ع
سجالی	سیمیون	ارتع	اکهیل	اس	جوز	کرم	صداوت	۷۲	جالی	کلونی و ناله	۴۸۹	فتاح	ف
النجایل	فلاویوش	شمس	قیف	بیرون	بسیار	تر	الفت	۲۰۰	جالی	لی پر و ناله	۱۳۴	صهل	ص
صطرابیل	شیموش	زهره	سفل	حوت	ترنج	شکلا	تفسیر	۳۰۰	مشترک	قدیرت و ناله	۳۰۵	قادر	ق
اواکب	رهوش	عطارد	فانم	سیند	گلکاب	کرم	تورت	۷۲	جالی	پیر و ناله	۲۰۲	رب	ر
هر ایل	نیش	وشر	بلده	عربی	عربی	تر	عداوت	۲۰۰	جالی	قیل و ناله	۴۰۰	شفیع	س
عزرا ییل	الهیوش	زصل	سعدی	دلو	عربی	تر	صدوق	۳۰۰	جالی	قیل و ناله	۴۰۹	تواب	ت
میکائیل	طیوش	مشرقی	سعدی	حوت	عربی	شکلا	بعض	۴۰۰	جالی	قیل و ناله	۹۰۳	ثابت	ث
مهکائیل	وایا یوش	برنج	سعدی	جدی	بعضه	سرد	مجت	۷۰	مشترک	ذکر ناله	۷۳۱	خانی	خ
هکائیل	ملکا یوش	شسر	بانیته	فوس	ریحان	کرم	بعض	۷۹	جالی	فرز ناله	۹۲۱	ذی	ذ
صفاکب	غاریوش	زهره	نقدم	دلو	گل و ناله	جالی	صداوت	۷۲	جالی	فرز ناله	۱۰۰۱	ضار	ض
تور ایل	عقدوش	عطارد	نور	حوت	کل و ناله	شکلا	صداوت	۲۵	جالی	آب و ناله	۱۱۰۴	ظاهر	ظ
الوفائیل	نوروش	وشر	ریش	حوت	ترنج	جالی	صداوت	۳۰	جالی	آرز و ناله	۱۳۸۶	ضعود	ع

فصل سوم در بیان بکلیات حب تعویذ

هر که خواهد که فلان کس یواند و فریفته او شود در شب چهارم عروج ماه انبیا را شروع کند
تا چهل روز هر روز چهل مرتبه بخواند و از اول تا آخر خیال مطلوب در دل دارد و گویا که زود
بروشن موجود است برای خب بغایت سریع الاثر است بشرطی که قصد صرام نباشد
ان شاء الله تعالی زود مقصدش حاصل خواهد شد از گوشت و غیره بر نیز لازمست انقل است
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ جَعَلَ جِبْرِیْلَ وَیَسَعًا یَسْبُلُ وَاسْمَ اَسْمَاءِ فِیْلِ وَتُوذِبَةَ فُؤُوسِی
وَ اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ وَ قُرْقَانَ مُحَمَّدًا عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ السَّلَامُ وَ سَوَّلَ اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْكَ
وَآلِهِ اَبْصَحًا هَر كِه تا چهل روز بعد از نماز پنجگانه سوره یاسین بر کند از فضل سفید خوانند
بسوزاند اگر مطلوبش یکصد فرسنگ باشد نزدش حاضر شود ایضا هر که خواهد که فلان
کس مفتون فریفته او گردد هفت سبج آهنی که با نذاره یک انگشت باشد گرفته بر هر یک
یک مرتبه سوره یاسین بقبضه مودت خوانده دم کند و گوید سوختم دل جان فلان بن فلان را
بجای آن اسم مطلوب یاد دارا گوید و میخمارا در دیکدان نهد و بزیرش آتش افزورد و تسبیح
میخمارا گرم شوند مطلوبش یواند و بر میگردشته حاضر آید ایضا هر که خواهد که شیرینی
در بستلای خود گرداند این آیه مودت میگوید چهارده مرتبه در شب بخواند و شیرینی
و میوه یا چیزی که میخواهد مطلوب باشد بر آن دم کند و بخورد و در پیش دردی عاقل گردد
و طریقه دوم اینست که این آیه هر روز چهل مرتبه بر شیرینی یا بر چیز دیگری خوردنی خوانده دم
کند و بخورد و در فوراً عاقل گردد خواننده را هم انواع فوائد بنیدد آیه اینست بِحَمْدِیْ
کَتَبَ اللّٰهُ وَ الذِّنَّ اٰمَنُوْا اَشَدُّ حُبًّا لِّیْهِ اَبْصَحًا اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ
نویسد و آنرا جانب شرق بخانه مطلوب بیاورد تا که با دانه آنرا بجنبانند آن
اینست بِحَمْدِیْ اَبْصَحًا اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ
برای حب این عزیمت را بر بیضه مرغ نوشته در آتش دفن کند مطلوبش بر شل
سگ در پیش آن دود و آن عزیمت اینست بِحَمْدِیْ اَبْصَحًا اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ اَبْنِیْلَ عِنْدَیْ
قلب فلان بن فلان اسماة اسماة الروحا الوحا العسل العسل العسل ایضا

نقش سلیمانی

این آیه را بر برگ سبوز نموده بجوانند بطول عاشر و دیوانه کرد و فسیل کنید که هم
 الله وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ایضا خاک زیر پای مطلوب پای چپ خود
 گرفته این عزیمت را بهفت مرتبه بخواند و بجاک دم کند و خاک را در پارچه بسته طالب
 زیر پای خود بگذرد و زور بداند تا نقش مطلوب بسیار جلد دیوانه و برهنه پایبوی
 مطلوب رود و عزیمت اینست ۱۳۱۳۱۴ اسح الساعة الساعة الساعة ایضا



این نقش را بر ظرف تکی نوشته در آب
 اندازد و تا هفت روز بنویسد و در آب
 اندازد آن الله و ستمش دوست
 گردد و آن نقش معظم و کرم اینست
 ایضا هر که این نقیذ را نوشته نزد خود

دارد پیش هر کسی که رود عت باو نماید و در دل همه قدر و منزلت او زیاد گردد و با همت
 باشد و نقش معظم و کرم اینست ایضا برای حُب و دوستی این نقش

۲۳	۲۶	۲۹	۱۶
۲۸	۱۷	۲۲	۲۷
۱۸	۳۱	۲۴	۲۱
۲۵	۲۰	۱۹	۳۰

سوره اخلاص را بر چهار نوع عمل کرده
 میشود نوع اول اینست که بنویسد و بر
 درخت انار بیاویزد و قتیله یاد آنرا
 بجنبانند مطلوبش بقیار گردد نوع دوم

اینست که بنویسد در صحرا دفن کند نوع سیم اینست که نقش را در آرد و گندم
 حُب مانوده تا بیت و یکروز در دریا اندازد نوع چهارم این است که
 این نقش را نوشته و قتیله نماید و روی آن را
 در چراغ روشن نماید و روی قتیله بجای مطلوب
 کند و تا بیت و یکروز بلا فاصله روشن باشد و
 مطلوبش بقیار دیوانه گردد و نقش معظم و
 کرم این است

۷۸۶

قل	هو	الله	أخذ
الله	الصمد	لم	یولد
ولم	یول	لد	ولم
یکن	له	کفوا	أخذ

ایضا برای خت این نقش را نوشت
در خانه مطلوب بشد دفن سازد خواش
بر خت در دل مطلوب او پیدا شود نصیب

ایضا بنا بر خت این نقش را نوشت
نموده و بار و خن کجند بر آفرود آتش یا ندرت
روزی مطلوبش حاضر گرد و نقش آت

۱۱	۸	۱	۱۴	ایضا این نقش را در سفال گلی نویسد یا بر نعل اسب نوشته در آتش اندازد	۱۴	۱۱	۴	۱۷
۲	۱۳	۱۲	۷		۵	۱۶	۱۵	۱۰
۱۶	۱۳	۱۶	۹		۱۹	۶	۹	۱۲
۵	۱۰	۱۵	۴		۸	۱۲	۱۸	۷

و آن بر فلان علی حسب فلان بر فلان عاشق شود و بنویسد و بجای فلان بر فلان نام ط
و مطلوب نام در آنها را بنویسد
۱۱۰۱۹۱ الح اء عم عم ۵۴ ح ط ۱۱ عم و ه ملا لاهم

ایضا اگر فیما بین طالب و مطلوب شکر ربی واقع شود روز و در ترین نقیسه ادرعت
سعد نوشته یا بر نعل اسب مشکی کزده در آتش
اندازد مطلوب بغیر ارگشته ضلع کند و رام شود آت
فصل چهارم در بیان عملیات و تقویات
بعض



گفته اند که هفت دانگ بریزه بر هر یک این عریت را
باسم الله بخواند اوله بوالا انسان انا خلقنا
من نطفة قاذوا هو خصیم ضعیف و در آتش اندازد عداوت عظیم پیدا خواهد
شد ایضا هر که خواهد که میان دو کس عداوت پیدا کند آیه کریمه و القیننا
بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیمة بعد از هر نماز عشاء بخواند
و بعد از هر دو مرتبه اسم آن شخص که ایضا اگر کسی خواهد که فیما بین دو کس عداوت
پیدا شود پارچه پوشیدنی آن را گرفته و این نقش را بر آن نوشته و
در آتش اندازد اسم آنرا با مادرش هم بنویسد اسم آن گیرد هم با مادرش بنویسد

نقش سلیمان

ایضا برای خرابی دشمن این نقش مکرر را نوشته زیر زمین من کند نقش است
 ایضا این نقش را تا سه روز نوشته
 و در آب شسته هر کس را بخواند دل
 او را بجانب خود کشاند و قبل خواندن
 هفتاد مرتبه بگوید و التبتا بینه
 العداوة الی یوم الیقین و مش
 ایضا ۷۵۵



فصل پنجم در بیان بان بندی

یکرشته از دست تا نافه رسته و بر آن سوره
 سوره یسین بخواند و بر زمین بکشد آنگهستان
 و وقت عقد کردن ز با زن بر روزان خود کند

۴۳	۴۰	۵۹	۵۰
۶۰	۵۵	۴۴	۲۹
۵۴	۵۷	۴۲	۴۵
۴۱	۴۶	۵۳	۵۸

و آن رشته را بر زیر آستانه اهدا دفن کند ز بهین اهدا مسدود کردد ایضا
 برای زبان بندی بن آیه کریمه بگیرد مرتبه بخواند الله لطیف بعباده خود
 موبشانه و هو القوی العزیز برای زبان بندی آیهل محمد است ایضا
 این آیه کریمه از نوشته بر سر سنگ گذارد فسیکفیکم الله وهو السميع العظیم

۳ ص ۳ م ۳ ع ۳ ب ۳ ج ۳ ط ۳ لا اله الا هو رب العرش
 العظیم آفر صم بکم عنی فهم لا یخفون ضم بکم فهم لا یفقون
 ضم بکم عنی فهم لا ینطقون ایضا این طلسم را نوشته زیر زبان
 نند ز بانس بند خواهد شد
 ۱۱۱۱ ج ۱۱۱۱ ح ۱۱۱۱ ع ۱۱۱۱ ط ۱۱۱۱ ج ۱

ح	م	ع	س	ق
س	ق	ح	م	ع
م	ع	س	ق	ح
ع	س	ق	ح	م

ایضا برای بان بندی این نقش حقیقت را
 بر نقره کنده و یکس انگشتری سازد و بیکه نزد
 امیری یا دشمن رود و انگشتر را در انگشت کند
 زبان دشمن بند و بوی بسیار مهربان شود بملک

از موده شده محبت او مضا برای زبان بندی این مشش با نوشته در نما گذار
در راهند او نهده چیزی سنگین بهی آن گداشته که از جایش جنبش کند محبت

فصل ششم در بیان خواب بندی

س	۱۲	۲۱۱	۱۳۷	۳
۱۳۹	۳	۳	۳	۳
ط	۷	ف	۵	۳۲
ن	۹	۱۱	۸	۶۱۵

سوره ناس با وقت شب بخواند و کاری در
زمین فرود نماید و پیشک کار در زمین فرو کرد این است

بسم الله الرحمن الرحيم
 را بر آن دم کند اینست **اِنَّكَ قَمِيْتُ وَ اِنَّهُمْ قَمِيْتُونَ** وقتی که سوره ناس را
 بخواند بر هر ناس که میرسد کار در بر زمین فرو نماید و کار در از سه روز زیاد تر در
 زمین نگذارد و اگر خوابد که خوابش گشاده گردد کار در از زمین بیرون آورد و سوره
 بخواند **اَيْضًا** برای خواب بندگی این سوره را بر کاغذی نوبه و صبح فولادی
 در میان کافذ انبالا بکو بکه در کف فرو رود و بعد شوراخ را از خاک چهار راه پر کند
 محبت سوره اینست **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ** عقدت نوم فلان بن فلان بن
الحسن بن محمد بن عیسیٰ بن علی بن ابی طالب عقدت ماسه بن الحسن بن
 عقدت شعری بن الحسن بن محمد بن علی بن ابی طالب عقدت ازین بن
ایاتک نقب عقدت ساسه بن و ایاتک نستعین عقدت و بجه بن احمد
الصراط المستقیم عقدت یدری بن صراط الذین عقدت قلبه بن
 انصت علیهم عقدت فرج بن غیر المعصوب علیهم عقدت ساقیه
 بن و لا الضالین عقدت علیه بن ایمن عقدت قراره و سکونه بن
 الراسخون فی الدین بالله و بحکم الله عز وجل عقدت انوم فلان بن علی بن
 فلان بن

خواب بندی این طلسم را بنویسد **النوم النوم النوم** و در زیر بالین بطلب
بندش الله هم خوابش بسته گردد تا و پیشک زیر بالین است و پیشک برداشته شود

نقش سیمای

ایضا برای جواب بندی این توفیر از نوشته
بجای خوابیدن آن فن کند در زیر است

۹	۶	۳	۲
۲	۴	۶	۸
۶	۸	۲	۴
۳	۲	۹	۶

ایضا برای جواب بندی این نقش از نوشته
موجب مذکور چه عمل نماید نقش ذیل است

۸	۲	۳	۱
۲	۲	۳	۲
۵	۶	۴	۱
۵	۱	۴	۲

بسم خواب سلطان بر سلطان

بسم خواب سلطان بر سلطان

ایضا در بیان توفیر تیغ بندی

هر که خواهد شمشیر و کلاه دشمن بر او کار نکند بر روز پیشینه موجب شرایط مذکوره
یعنی ساعت و غیره را تعیین نماید و این توفیر را بنویسد لیکن اول بگردن بز و غیره بسته
استحسان کند تا کشفش مریخ شود که باین تم گمان دلیر شود که توفیر نزد من است مرا
از تیغ جنای دشمن چه اندیشه و بهر خیال دست از جان نریز بنویسد در ملاک افتد اینست

۱۱۱۱۱ ۱۹ ۱۱۱

ایضا برای تیغ بندی بر کس این شکل را بر قبضه شمشیر خود بندد وقت مقابلت و
مقارن دشمن رخ شمشیر دشمن بر وی کار نکند و شمشیر آید از این دمار از جان درین
بر آورد ک ۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱

ک ف ا ح ا
دآمد وقتی که کشفش با شمشیر بروی حمله کند هیچ ضرری نرزد و یک سروی از خم
با نرسد و قید نوشتن استحسان ۱۱ ۱۴ ۷۱ ۱۱۱ ۱۹ ۵۴
بایضا در کتب نقش اینست ۱۱ ۷۴ ۹۳ ۱۴

ایضا برای تیغ بندی بر شمشیر یا نیزه یا ننگ بسته باد دشمن مقابلت کند و اسلحه
دشمن بر او هیچ ضرری نرزد و او بر دشمن غالب خواهد شد و اگر افسر فوج بر نشان

نقش سیمانی

۳۷

خود این نقش مکرم را نویسد بطرفی که آن دایت بلند اقبال شود و فتح نصیب او
گردد و اقدام دشمنان بمقابل آن آیت بر جا فغاند راه فرار پیش گیرند و باید با طهارت

ب	ب	ب	ب	ب
ب	ب	ب	ب	ب
ب	ب	ب	ب	ب
ب	ب	ب	ب	ب

تعمیر این عمل را بجا آورد این است
ایضا هر کس این پیش از نوشته نزد خود دارد
زیر شمشیر و نیزه و تفنگ بر او کارگر نشود
اول باید استخوان خوبی آن کند نقش بر آن



صلی شتم در بنیان عملیات
و تقویات برای احضار غائب
اگر شخصی قیام کند که هیچ خبری از او ندارد

که بکارفته است و کجاست و طلب کردن او مطلوب باشد ما بین فرض دستت نماز
چون یک مرتبه سوره فاتحه بخواند انشاء الله تم زود تر غائب حاضر گردد و انجیل
از نموده اکثر بزرگانست ایضا هر که خواهد که غائب شده و در خواب ببیند و
احوال او معلوم کند یا دیگر امری را منظور باشد این عمل نیزه استخاره است
بصدق دل لباس ظاهر در بر کند و وضو سازد و رو بقبله بپهلوی راست بخوابد
سوره الحمد و شمس و الضحی و القیل و الم نشرح و والیقین و سوره اخلاص
بتر که از اهانت مرتبه بخواند و بعد آنها این دعا را بخواند **اللهم اربنی فی**
مشایب کذا و کذا این امری خرج او بخیر جا اربنی فی مشایب ما
استندل بچراغ ایتیه و کتوفی و بجای کند او که اظهار مطلب و مقصد خود
کند اگر در اول شب مقصدش بر آید فهو المراد و الا تا هفت شب همین نوع عمل کند
آنتم حق بر او ظاهر میشود ایضا این طلسم از نوشته در ابرق ریق نهاده در چاه

اندازد اگر با یک خنجره آید باید دانست که غایب مانده است و اگر صدای گریه
 آید غایب برده است طلم است ۱۱۹۱ ۱۱۹۲ ۱۱۹۳ ۱۱۹۴ ۱۱۹۵ ۱۱۹۶ ۱۱۹۷ ۱۱۹۸ ۱۱۹۹
 ۱۲۰۰ ۱۲۰۱ ۱۲۰۲ ۱۲۰۳ ۱۲۰۴ ۱۲۰۵ ۱۲۰۶ ۱۲۰۷ ۱۲۰۸ ۱۲۰۹ ۱۲۱۰
 ۱۲۱۱ ۱۲۱۲ ۱۲۱۳ ۱۲۱۴ ۱۲۱۵ ۱۲۱۶ ۱۲۱۷ ۱۲۱۸ ۱۲۱۹ ۱۲۲۰
 ۱۲۲۱ ۱۲۲۲ ۱۲۲۳ ۱۲۲۴ ۱۲۲۵ ۱۲۲۶ ۱۲۲۷ ۱۲۲۸ ۱۲۲۹ ۱۲۳۰

اینست این نقش را داشته بر زیر یک در میان چند میرسد و بدست که بر شرف زفته گوید که
 آنرا دست بر تپه بگرداند و بعد صبح را راست کرده بسوی فلک ایستاده نماید اینست
 زودتر غایب برسد و نقش اینست

فصل نهم در بیان کجیخته

۱۵۲	ده	۳
دوا	۵	۵
راه	باصره	پرید

اگر شخصی مثل غلام یا کتیر یا جوانی کجیخته باشد و منظور شماست که معلوم شود که
 کدام سمت رفته اگر بر روز شنبه کجیخته است جانب جنوب تلاش باید کرد و اگر
 بر روز یکشنبه کجیخته جانب مشرق تلاش باید کرد و اگر بر روز دوشنبه کجیخته بطرف
 شمال رفته و اگر بر روز سه شنبه کجیخته بطرف مشرق رفته و اگر بر روز چهارشنبه کجیخته
 جانب مغرب کجیخته و اگر بر روز پنجشنبه کجیخته بجانب مغرب تلاش او باید کرد
 و اگر بر روز جمعه کجیخته بسمت جنوب رفته اینست اگر غلام کسی یا جوان گم

شده باشد این نقش را از دست خود
 نوشته و بر درخت بیاویزد که با دانه
 یخنی باشد که کجیخته زودتر بیاید
 نقش اینست



اینست اینطلس را بر صبح بندد و از جانب
 جعفر اگر دانته غایب حاضر شود
 اینست اگر غلام یا کتیر کجیخته این مربع را بر یکسره در میان آن اسم کجیخته را بر او
 در میان قرآن شریف بآید خواند و نوشته شده بگذارد اینست اگر کجیخته
 اقان و خزان برودی در حدتش حاضر خواهد شد و این مربع در صدف مقابل است

ایضا بر چرخ نوشتند که بگردانند



و بسیار مجرب و آزموده است
سُئِبَ الَّذِینَ اجْرَمُوا

صفا دهند اقله

فلان

یا اعلیٰ

فصل دهم در بیان شناختن دزد

شخصی که مالش را دزدیده باشند و پیدا کردن دزد را منظورش باشد باید که دو کس را بروی عهد گیر بنشینند و یکطرف گل از انگشت دست راست اسم آنکس که ظن دزدی بر او میزند یا انگشت بظرف بنویسند و سوره یس را تا من المذکر همین بخوانند اگر آن شخص دزد باشد ظرف خود بخود با لظن و دره گردش کند و اگر گردش نکرد نام او را پاک و نام دیگری که گمان میزند بنویسند و باز تا ما بخواند همین طور عمل کنند تا وقتی که با اسم دزد بگردد در چهار ظرف این چهار اسم را بنویسند یا اجزای پیل یا امینکا پیل یا اسرافیل یا غفر ایل پسند شود و شنیدن نام صاحب فن را لازمست که اگر واقف شوند که فلان شخص دزد است افشای نام نکنند که عیب پیشانند و بر قول شیخ سعدی
 خدای ماست مسلم بزرگوار می و علم که خرم بیند و نان بر قرار میدارد
 ایضا هر که خواهد دزد را پیدا کند وقت صبح خودش عقید را بر زیر پشت بندد و فترت آیه الکرسی بخواند و پشت دم کند و هر که را ظن میبرد بگوید دست بر پشت بگذارد و دست دزد خودش از زیر بانگ بر آورد ایضاً بسیار مجرب و آزموده است ایضا اگر برای پیدا کردن دزد بیاورد چند برگ ترنج و بر هر برگ این آیه که میهد را بنویسد و بعد اسم آنها بشکند گمان

نقش سلیمانی

بسیار سخت آید بگوید و در آن نقش بسوزاند هر کس که درزد باشد بدرد درد گرفتار شود
ای که بدینست **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الشَّادِقُ فَالْتَارِقُ فَاقْطَعُوا**
أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ يَجْزِي كَبِيرًا بشرط احتیاط

یعنی سیاه جریبت فصل یازدهم در بیان
عملیات و تعویذات ربانی مجوس

شخصی که ناکرده و مجوس شود باید که اول و آخر وقت مرتبه درود بخواند و این آیه را
خواند بر انگشتهای خود دم کند از قید حبس خلاصی خواهد یافت **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ**
الرَّحِيمِ وَكُنْ بِأَيْدِيهِ وَيَا وَكُنْ بِأَيْدِيهِ شَهِيدًا وَكُنْ بِأَيْدِيهِ عَلِيمًا وَكُنْ
بِأَيْدِيهِ حَسِيبًا وَكُنْ بِأَيْدِيهِ هَادِيًا وَكُنْ بِأَيْدِيهِ نَصِيرًا ایضا هر که
بلاد جد و بلا تصور در زندان رود این تعویذ را نوشته در دستار یا طلاه خود نهید
برکت این آیه معطره رود در خلاصی یابد **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ**
وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
۱۱۱۱ هـ ۱۱۱۱ هـ ۱۱۱۱ هـ ۱۱۱۱ هـ ۱۱۱۱ هـ ۱۱۱۱ هـ ۱۱۱۱ هـ ۱۱۱۱ هـ ۱۱۱۱ هـ ۱۱۱۱ هـ
ایضا هر که مقید شود این مثل را از زود دارد

بر این سوال کی جانب است؟ یک بزر خود و یکی بروی خود
انشاء الله مجوس زود تر خلاصی مگر احتیاط شرطت مثلث نیست
ایضا بروز جمیع قبل از طلوع آفتاب این نقش را مجوس
بر که خود بندد انشاء الله از قید خلاص گردد

۷۸۶
۳ ۵ ۷
۸ ۱ ۶
ایضا هر که مقید شود این نقش را نزد خود
دازد بفرمان خدا همگالی رود تر ربانی خواهد یافت
و قستی که از جنس خلاصی یابد
نقش را در دریا اندازد

۷۸۶

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

فصل دوازدهم در بیان عملیات

و تقویذات دافع آسیب و غیره

از اگر کلهای کامل منقولست که هر کسی او را ظل آسیب گردد در گوش راست اوفت
 پاراذان برید و بعد سوزده فاتحه و سوره قن و آیه الکرسی و سوره و الطارق و آخر سوره
 خشر هو الذی با آخر سوره و الصافات بخیر تبه و سوره جن را هفت مرتبه بخواند آسیب
 بگیرد چنانکه انسان از آتش بگیرد یا سوخته شود ایضا برای دفع آسیب است
 مقرر که اصحاب کتف بر دیوار خانه خود نوبید هر خانه که این اسماء معطر نوشته باشند
 گذر جن در آن خانه نباشد الهی بجزمت یملیضا مکسلینا کشفو طوط آذر
 فطیونس کشافیونس بتیونس یوانس و کلبهم قطیر ایضا چهل کاف
 برای هر مطلبی یازده مرتبه بخواند مقصدش حاصل گردد و هر که را خلل آسیب
 باشد یازده مرتبه بر شیرینی و غیره بخواند و با فو بخواند انشاء الله دفع ضرر آسیب خواهد
 شد آن چهل قنایت قادر و رب قدر قضاء قفقهرا قول بقرقا و مع
 و قش فی قبوش بحق قلا نس قطب القمام القناتن تقرقریری ققبل
 بقبول قوب قدس عن القرام قیما قیوم بقوقیانی قیقات بقفقفة
 قفقفة قفقو قطاطی و اقم قفنه قیاقری ایضا چهل کاف از تصنیف
 محبوب سبحانی قطب بانی عویش الصمدانی حضرت شاه محمد الدین عبدالقادر جیلانی قد
 خواص آن بسیار است و در این مختصر گنجایش بیان آن نیست مختصرا اینکه برای هر کسی
 که خوانده شود بر او اثر است خصوصا برای دفع ضرر جن و دیو و پری و غیره میریغ
 الشفع است هر کس را که خلل و آسیب از این قسم باشد باید که هفت مرتبه بر روغن تخ
 خوانده و در گوشهای آسیب دیده بریزند و انگشتهای او را در سوراخ گوش بگذارد تا که روغن
 بیرون نیاید و قدری از آن در روغن هم بریزد او بماند انشاء الله آسیب سوخته شود
 که نوی سوتش بداند دیگر آن رسیده و بوقت سوختن هم فرماید کند ترجمه این چهل
 کاف که از لغتین است عند الحی و هوی و با اصل عبارت برای فاده و ملاحظه ناظرین

نوشته شد بیت چهل کاف الفینک دینک اکر یکفینک و کیفه (۱۳) کفنا کفها
 کلین (۳) کان من کلکا (۴) ککر ککا (۵) ککر (۶) فی کب کجلی
 مشککه (۷) ککک ککک و ککک (۸) کفانک کفانی کفانک الکاف کزینه (۹)
 یا کو بجا کان مخکی (۱۰) کو کب الفلک ترجمه کافی است ترا پروردگار تو بس است
 کفایت کند ترا از حادثه پوشیدن او مثل پوشیدن شکار است که دراز میشود بر زمین همچو
 رستن در جگر از کار و میخاشد مثل هر بری که شکار را از پنجه بزور بخورد بر کشد خصوصاً
 ترا کافی است که از اندوه و غم نجات بخشد ای ستاره دل من که مشابهستی از ستاره
 فلک هر کسی که خواندن چهل کاف را با مویگان منظور حسب نشان هندی که بر چهل
 کاف مویگان داده شد بخواند بر مقصدی دارد حاصل گردد (۱) یا جنتائیل (۲)
 یا ذولائیل (۳) یا جبرائیل (۴) یا کنکائیل (۵) یا میکائیل (۶) یا نغائیل
 (۷) یا سرائیل (۸) یا همرائیل (۹) یا عزرائیل (۱۰) یا ذرائیل (۱۱) یا میکائیل

۳۹۱۱	۳۹۰۴	۳۹۰۹
۳۹۰۹	۳۹۰۸	۳۹۱۰
۳۹۰۷	۳۹۱۲	۳۹۰۵

اینصاً هر کس این شصت چهل کاف را نوشته نزد خود دارد
 از شر دیو و جن و پری محفوظ میماند
 اینصاً این شصت نوشته بر رازی آسبیده بند
 آسبیده دور خواهد شد
 ۷۸۶

اینصاً این فستید از حضرت خورش اعظم مرویت
 که باید نوشته و در جنبه توصیف ظاهر پیچیده دور
 کاسه گلی آب نارسیده نهد و ظرف را از روغن تلخ
 پر کرده و قیل را روشن سازد و بر شیرینی ثواب فاتحه
 ۷۸۶

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

۱۱	۸	۱	۱۳
۱۲	۱۳	۱۲	۷
۶	۳	۶	۹
ع	۱۰	۵	عم

بارواح حضرت پیر صاحب برساند
 آسبید بفضل خدا دور شود
 اینصاً برای کسی که بخانه او جن
 باشد و ساکنان خانه را آزار و

نقش آیلمانی

سوره (۴۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
بِحَقِّ يَاجُجَائِشِ يَاجُجِ

۸	۶	۴	۲
۲	۴	۶	۸
۶	۸	۲	۴
۴	۲	۸	۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِحَقِّ يَاجُجَائِشِ يَاجُجِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِحَقِّ يَاجُجَائِشِ يَاجُجِ

اذیت میرساند این نقش
معظم را نوشته بر در خانه
بجای آنکه از شر جن محفوظ
و مصون ماند آیتها
این نقش از سوره جن است
آزاد نوشته بر گوی هفت
بند از تمام آفات خصما
از شر جن و دود و پری محفوظ
و هر کسی از جن و غیره آزاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

رسانید باشد نویسد و نزد خود نگاه دارد و چون در جبهه او بگریزد و بد نظر کند

آیضا بخانه هر کسی چنان کلنج اندازند این ششرا
نوشته بر دیوار روی بقعه بجای آنکه از شر جن
محفوظ خواهد بود و نقش معظم این است

۷۸۲۲	۷۸۱۷	۷۸۲۴
۷۸۲۳	۷۸۲۱	۷۸۱۹
۷۸۱۸	۷۸۲۵	۷۸۱۰

۹	۶	۳	۱۶
۱۷	۱۲	۱۳	۲
۱۳	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵

آیضا این نقش بترک از سوره نزل است
و خواص آن بسیار است از آنجمله یکی بر من
تحریر میاید اگر کسی این نقش را با طهارت
نوشته نزد خود دارد از شر جنون و جمیع

آفات و بلاها محفوظ و مصونست بجز آب و آذ نموده است و نقش در زیر است

فصل سیزدهم

در بیان علامات سحر زده و عملیات
و تعویذات دفع سحر

۳۲۵۶۶	۳۲۵۵۹	۳۲۵۶۴
۳۲۵۶۱	۳۲۵۶۲	۳۲۵۶۵
۳۲۵۶۳	۳۲۵۶۷	۳۲۵۶۰

علامت سحر زده آنست که روز بروز لاغر و ناتوان گردد و اندن و فرزند و طعام و شراب
و از هم نیشانی خود نفرت کند و خاموشی او دست از دود و استخوانهایش تنگ پیدا میشود

نقش سیلستانی

۷۸۶

و خواب کم رود و اگر بیدار شود خوف زده باشد و بعضی آنها را در سرد اسهال میگیرند
 و صاحب بینی سحر کنند مثل دیوانگان میباشد و خاموش است پس هر کسی که ادرا سحر کرده اند
 این آیه کریمه را بر کاغذ باریک با خون بید یا نایک یا سیاه و یا مشک و زعفران و گلاب نوشته
 و بر گوی سحر زده بندد و بر هفت پارچه کاغذ با بسم الله نوشته تا هفت روز یکجا
 در آب شسته و سحر زده بخورد مجرب است **تَبِيْطُلهٔ اِنَّ اللهَ لَا يُضَيِّعُ عَمَلِ**
المُضِيْرِيْنَ اِنَّمَا صَعُوْا كَيْدُ سَاحِرٍ وَّ لَا يَفْلَحُ السَّاحِرُ حِيْثُ اَتَى
 بِحَيِّ اَهْتِيَ الشَّاهِيْا اَيْضاً برای دفع سحر سوره مقوذ تین را نوشته
 نزد خود دارد و یا هر روز ورور کرده یا بر کاسه چینی نوشته هر روز بنوشد انتم
 هیچ سحری بروی کار گر نخواهد آمد اینصداً برای دور کردن سحر این دو نقش
 نوشته میشود یک نقش قصیده برده و نقش دیگر قصیده حضرت امیر علیا
 است این هر دو نقش را بر پشت آنها بنویسد اینرا اقتمت علیکم یا دروغا طیل
 و در سبوی گلی آب دریا با هفت آب چاه مخلوط کرده و در دیک ریخته بریزش آتش
 نموده وقتی که گرم شود سحر در پشت نشسته و دو نفر از چپ راست بر سرش
 بریزند و این آیه کریمه را بخوانند **فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ تَاعَلَ الْمُضْدِيْنَ و دوقتی که آب**
 تمام شد آب پشت را در دریا یا در جوی بریزند تا بمقت و در چنین کند انتم

۷۸۶

۲۰۹۱۹	۲۰۹۲۴	۲۰۹۱۷
۲۰۹۱۸	۲۰۹۲۰	۲۰۹۲۲
۲۰۹۲۸	۲۰۹۱۶	۲۰۹۲۱

۷۸۶

۱۴۳۴۳۵	۱۴۳۴۲۵	۱۴۳۴۳۲	۱۴۳۴۲۹
۱۴۳۴۲۸	۱۴۳۴۳۴	۱۴۳۴۳۲	۱۴۳۴۲۵
۱۴۳۴۲۲	۱۴۳۴۲۱		۱۴۳۴۳۱
۱۴۳۴۳۷	۱۴۳۴۳۷	۱۴۳۴۳۳	۱۴۳۴۴۲

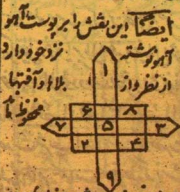
فصل چهارم

در بیان چشم رخم و عملیات و تقویات دفع آل

در تفسیر فتح الغرور غیرها منقولست که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند
 اثر نظر بد ضرور میشود اگر چیزی بر تقدیر غالب شدی تا اثر آن بنهایت قوی است یا
 دانست که در نظر عمتی از جلا اهل است که حتمتعالی در چشم بعضی از انسانان و حیوان
 طلق فرموده است چنانکه در پیش عقب و دندان از هر خلق فرموده و باید دانست
 که چشم بد ضرر میرساند و گاهی چشم بد بابل و عیال خود نقصان میریزد و نظر بد تنها
 انسان از ازیام و اسباب و مکان و دواب و کشت و زرع و غیره را ضرر کامل میرساند
 و در حدیث آمده است که هر چیزی بنظر خوشتر آید که در فاشاء الله لا قوه الا بالله
 بگویند که از برکت اینکلمات معظم نخست ضرر بزدان خواهد شد و کیفیت آن در کتب
 قدیمه معتبره مفصل درج شده و در حدیث شریف آمده که از نظر بد کسی بخشی ضرر رسید
 فوراً روی و دست و هر دو پای و شرمگاه نظر اندازند در یکطرف شسته آب از آب
 شخص ضرر رسیده پاشند از فضل ایزد سبحان و تقم مریض شفا یابد و این عمل در اکثر کتب
 معتبره مرقومست که از بس برای دفع چشم زخم مجربست و در حدیث شریف آمده است
 که اگر از چشم زخم زنده برای شویندن روی و دست و جسم گفته شود بی عذر بر فرموده
 آنصل نماید و در دل خود غم و غصه راه نهد منقولست که عثمان رضی طفلی خوشروئی را
 ملاحظه کرد ارشاد نمود پسرش که خالی از سیاهی بصورت او بسازند تا که نظر بد او اثر
 نکند از نزدی شریف صحت این سخن میشود که خال سیاه چهره خوبان درون ابی دفع نظر بد
 نافست پس معلوم شد که این خالی از صحت و صدق نیست ایضاً از حسن بصیری
 فرموده که هر کس بر خود یا بر مال و غیره خیال اثر کردن نظر بد باشد باید که این آیه را بگوید
 سه مرتبه بر خود یا بر مال خود دم کند نظر بد اثر نخواهد کرد و آن یکاذا الذین کفروا
 لیقولنک با ایضا و هم لکما سمعوا الذکر ویقولون انهم لجنون و ما
 ایضاً در حدیث شریف آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای
 حسین علیهما السلام بکلمات صفتی بعد که نوشته میشود تقویذ فرمودند و از آن حضرت

منقولست که حضرت ابراهیم علیه السلام برای حضرت اسماعیل علیه السلام و حضرت
 اسحق علیه السلام بهین کلمات تعویذ فرموده اند کلمات مذکوره اینست. **اَعُوذُكَ
 بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَةٍ وَمِنْ عَيْنِ لَامِقَةٍ** هر کس را
 لازمست که این تعویذ را نوشته در گوی طفلان خود آویزد و هر طفلی که این تعویذ بر
 گوی او باشد از جمیع آفات محفوظ خواهد بود. اینصا هر کس این تعویذ را نوشته در
 گوی طفل بیاورد بفضل ایزد سبحانه و تعالی از هر بلا و نظریه محفوظ ماند **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
 الرَّحِيمِ اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَةٍ وَمِنْ عَيْنِ لَامِقَةٍ
 تَحْتَسِتُ بِحَسْنِ الْفِئَةِ لِحَوْلِ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** اینصا
 برای دفع ام الصبیان این تعویذ را نوشته در گوی بندد **اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ
 الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مُدْرِحُ يَا غَفُورٌ يَا قُدْرَتُ مُحَمَّدٍ بْنِ دَاوُدَ
 يَا غَوْثُ يَا اِهْتِاسُ اَنْبِيَاءِ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ يَا مَلِكُ رُكَّاتِ بَعُوثِ
 فِي كُلِّ شَأْنٍ وَعِيْلَتُهُمْ يَا حَافِظِ يَا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ يَا اَللَّهُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**
 و این نقیسه را نوشته بسوزاند و خاکستر آنرا بحیثم طفل مالند **۱۹۹۳۲۵۵۷۷۲۲**

اینصا این نقش نوشته بر بازوی خود
 بندد از نظریه محفوظ ماند



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اینصا هر کس که این تعویذ را که در صفحه (۴۷) نوشته شده بنویسد و
 در گوی طفل بندد یا بر کاسه حیسنی بنویسد و بشوید و با او بخورد از نظریه و جمیع

نقش سلیمانی

فضل در بیان تقویات کبریہ اطفال

بلایان را مان خواهد بود نقش نیت

اگر طفل در خواب یا بیداری بسیار گریه کند
این آیه گریه را نوشته در گردن او بنویسد
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
خوابش

۴۴۲	۴۵۰	۴۵۲	۴۳۹
۴۵۰	۴۴۰	۴۴۵	۴۵۱
۴۴۱	۴۵۵	۴۴۸	۴۴۴
۴۳۹	۴۴۲	۴۴۰	۴۵۴

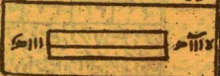
اَيْضًا برای دفع گریه اطفال بِسْمِ اللَّهِ الْحَمْدُ بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيِّ بِسْمِ اللَّهِ عَلِيٍّ
بِسْمِ اللَّهِ مُنْعَالِي بِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ
فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَبِحَقِّ شَرِّهِ مِنَ الْقُرْآنِ نَاصِرٌ
رِشَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا این آیات متبرکه را
بر کاشه چینی نوشته و بشوید و بخوراند و بر چهره طفل باندگردد و قطع شود و این دو
نقش را هم نوشته در گردن طفل بندد که بسیار مجربست
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۷	۷	۱۲
۳	۱۵	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۶	۱	۸
۷	۵	۱۳
۲	۹	۴

اَيْضًا هر که این نقش
مکرم را با طهارت کامل
بر کافه ظاهر و بقبله
نشسته بخورد و بر گلوئی طفل که بسیار میگريه بنویسد
گریه او مسدود خواهد شد

اَيْضًا هر که این نقش در راه محرم بر لوح چینی
کنده و بر گلوئی طفل اندازد گریه او قطع
گردد و از نظر به وجهه آفات و بلاها محفوظ باقی
ماند



ح	ف	ی	ظ
ظ	ی	ف	ح
ف	ح	ظ	ی
ی	ظ	ح	ف

اَيْضًا برای دفع گریه بر گلوئی طفل بندد از بزرگت
این نقش به خوال
و گریه او برود و دفع شود
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴۷۲۳	۴۷۲۵	۴۷۲۰
۴۷۲۴	۴۷۲۱	۴۷۲۰
۴۷۱۹	۴۷۲۱	۴۷۲۱

فصل شانزدهم در بیان ریاضت حال مریض

اگر در ریاضت حال مریض منظور باشد که او در چه مرضی مبتلا است یا که آسیب داده است باید که
 هفت آریسمان نیکون گرفته از انگشت زبانی تا موی چشمانی مریض پموده یکبار در روز
 شریف و هفت مرتبه سوزه حمد و کیر تبه آیه الکرسی بعد از هفت مرتبه ایند عاراج خواند بسم الله
 الرحمن الرحیم قیویش همیش در جمایش مینغایش شافیش ما پیش آفوش
 بر خجشک یا از حم الزا حین بعد در سیمان مذکوره را بالا بیاید بر بند که زیاد
 یکم شده است اگر یک انگشت کم شده باید دانست که دیوانست و اگر دو انگشت
 کشته خلل آسیب بگیرت و اگر سه انگشت کم باشد سحر است و اگر چهار
 انگشت کم باشد اتم الصبیانست اگر یک انگشت زیاد باشد نظر بد است
 و اگر دو انگشت زیاد باشد نظر کفار است اگر سه انگشت زیاد باشد باذن
 است و اگر چهار انگشت زیاد باشد تب است و اگر زیاد و کم نباشد مرض جسم است
 اینکا برای در یافتن مرض این بشره انبوسید و بر نقش این اسما را بر دفتر تبه خوانده
 بردست مریض م کند اگر سحر باشد سردوش گران باشد و اگر آسیب باشد دست
 مریض بزرگ و اگر مرض است هیچ نه شود و اینست ۷۸۶

۳۶۸	۳۲۷	۳۳۰	۳۱۷
۳۲۹	۳۱۶	۳۲۴	۳۲۶
۳۱۶	۳۲۷	۳۲۵	۳۲۲
۳۲۶	۳۲۱	۳۲۰	۳۲۸

و اسما هیت ملخفا اباد ملخفا ۲ بار
 ملخفا ۳ بار اوسلنا اذ علق بجن سلیمان
 بن داود علیه السلام حاضرند شود

ایضا برای تحقیق مریض در آسیب یا در یک سفالین توکل در بران بخش زین
 نوشته شود دفتر تبه بر سر مریض گردش داده در آتش اندازد و آتش از یادش خوشتر
 سازد اگر حرف سفید بر آمد سحر است و اگر حرف بزرگ نمرخ باشد خلل آسیب بخون ناپاک
 است و اگر حرف غایب شد آسیب و سایر بی تصور باید نمود و اگر حرف بدستور سابق بسیار

باشد مرض معمولی جسمت علاجش سازند بطیب رجوع نمایند و نقش این است
 ۳۴۱۱۲۴۴۶۹۴۵۱۸۵۸۸
 ایضا هر کسی مریض باشد این روز نامچه را ملاحظه کند و برای هر روز و شب آنچه حکم
 باشد بر آن عمل کند از صحن شانی مطلق زودتر شفا یابد و حاجت علاج و بجا آید
 و التجای حکیم و نیانی یافته **روز شنبه** اگر کسی در این روز بیمار گردد حامل آن
 زحل است بر مریض هشت روز بسیار سخت باشد بیماری او بنزدی عم و تلخی یا چشم
 باشد علامت او اینست سر او گران باشد و گردش کند و جسمش نلزد و تمامی جسم
 گران باشد و تشنگی زیاد باشد و خواب کم رود و اگر طفل بیمار گردد علامتش اینست که
 تمام روز بگریه و پستان داد بگیرد از اینست که مادر یا دایه او بروی غیر ی بطفل شیر
 داده نظر بد او بطفل اثر کرده تا هفت روز گران باشد صدقه بدد (شش سیاه کچد سیاه
 هر دو یا یکبار یک و پارچه سیاه یک گرد چهار گره و اندکی آهن بکیفر محتاج باید بدهند
شب شنبه اگر کسی برضی مبتلا گردد بیماری او بسیار پری می شود صدقه بدد
 جانوری سیاه مثل زاغ و غیره و چهار گرد پارچه نو که هر چهار گوشه پارچه سیاه نماید و در یک گوشه
 هدی و گوشه دیگر اندک آهن و دیگر نان بسته بدرویش بدد و یک تعویذ دفع نظر
 نوشته در گلو بندد **روز یکشنبه** اگر کسی بیمار شود حامل آن روز آفتابست بیمار
 تا چهارده روز در غایت سختی مبتلا باشد بالاخره صحت یابد بیماری او جسته بر نه شدن
 جسم یا بسبب خوردن طعام سفید مثل شیر بربخ و غیره لاحق شده است علامتش
 اینست که درد سرد و جوش گرم مثل تب و تمام شب تمام روز بیقرار باشد
 و چشمش سرخ و رویش زرد باشد و با کسی سخن نکند و در خواب خوف کند صدقه
 بجزرات بربخ و پارچه استعمال شده از بیمار را با هفت نان از روغن سیاه پنجه
 کسی محتاج بدد **شب یکشنبه** اگر باین شب مریض علیل شود سایه پری سیاه یا
 دیوی است علامتش اینست که جسمش نلست باشد و در خواب ترسند که گویا شخصی آید
 یا وحله کند و با کسی سخن نکند صدقه پارچه زرد رنگ و اندک درج زرد باید محتاج بدد

نفس سلیمان

علامت درد اعضا و سستی جسم و تشنج پای است صدقه صحت بخیر بزیاده آرد
 جو کبیر زوغن کبچله چھانک کبسی محتاج بد ۳ روز جمعاً اگر کسی بیماری از
 آن روز زهره است بر بیمار یازده روز گران باشد بیماری او بجهت غلبه خونسنت
 و یا که جای خود بخود بر زمین افتاده و در آنجا جانی بوده که از جسم او پس کرده علامت
 سستی جسم و در و سر باشد و در خواب کلمات لایق گوید و چشمش باشد صدقه
 چهار راه با خاک قبرستان که آزاد بر مندی مرگت گویند با خون بز سفید تر کند
 و یکپراغ آرد اش بسازد و اندک بسپند و در دلدی گرفته همه اشیا را در پارچه بسپند
 بند و در ظرف گلی نونهد و رویش محکم کرده در دریا اندازد و یک نان بر آرد و پاو
 یخته و دغن زرد و شکر پاو بر او نهاده و قدری نقره و پاو گز پارچه سفید بغیر محتاج
 بد بد و اگر طفل بیمار شود بیماری او از صدقه دیو پوری یا جهت خوردن شیر و جغرات
 و بزمنه غسل کردن علامت درد سر و زانو و از چشمهای او آب روان گردد و هر چه
 زرد شود و شیر نونشد علاج سوی دم مرغ یا زعفران گرفته بسوزاند و دو آنرا بجسم
 او رساند و شیر برنج یخته محتاج دهد نسبت جسم اگر بیمار شود بیماری او از سایه
 دیو پوری است صدقه روغن کبچله دوال بانس دوال نخود دوال مسو یا جانوری
 سفید یا سیاه و قدری نقره اگر ممکن نباشد یک نان ۳ دو پاو و زنی در روغن گاو
 تر کرده شکر سفید انداخته و پارچه سفید و یک بیضه مرغ و آب تازه محتاج دهد و اگر
 کسی بیمار شود عدد اسم مریض و ماد او را جمع کرده و بر هفت طرح دهد
 اگر یک باقیماند روز شنبه است و اگر دو باقی ماند روز یکشنبه است و اگر سه باقی
 ماند روز دوشنبه است و اگر چهار باقی ماند روز سه شنبه است و اگر پنج باقیماند
 روز چهارشنبه و اگر شش باقیماند روز پنجشنبه است و اگر هفت باقی ماند روز
 روز جمعه

فصل مفهم در بیان تقویذات شفای امراض متفرقه

باشد مرض معمولی جسمت علاجش سازند بطیب رجوع نمایند و نقش این است
 ۲۳۴ ۱۱۲۴۴ ۲۹۴۵۱۸۵۲
 آیدضا هر کسی مریض باشد این روز نامحظ را ملاحظه کند و برای هر روز و شب آنچه حکم
 باشد بر آن عمل کند از صفتشانی مطلق زودتر شفا باید و حاجت علاج و بجا آید
 و التجای حکیم دینیانی یافته **روز شنبه** اگر کسی در این روز بیمار گردد حامل آن
 زحل است بر مریض شست روز بسیار سخت باشد بیماری او بزرگتر است و تلخی یا خشم
 باشد سلامت او اینست سر او گران باشد و گردش کند و چشمش ملزود و تمامی جسم
 گران باشد و تشنگی زیاد باشد و خواب کم رود و اگر طفل بیمار گردد علامتش اینست که
 تمام روز بگریه و پستان او در بگیرد از اینست که مادر یاد آید او را و بر روی غیر ی بطفل شیر
 داده نظر بداد بطفل اثر کرده تا هفت روز گران باشد صدقه بدد (ماش سیاه کچد سیاه
 هر دو یا یکبار یک و پارچه سیاه یک گز و چهار گره و اندکی آهن بکیسه محتاج باید بدهند
 شب **یکشنبه** اگر کسی براضی مبتلا گردد بیماری او بسیار پری کند است صدقه بدد
 جانوری سیاه مثل زاغ و غیره و چهار گز پارچه نوک هر چهار گوشه پارچه سیاه نماید و در یک گوش
 هدزی و گوشه دیگر اندک آهن و دیگر نان بسته بدرویش بدد و یک تعویذ دفع نظر
 نوشته در گلو بندد **روز یکشنبه** اگر کسی باری شود حامل آن روز آفتاب است بیمار
 تا چهارده روز در غایت سختی مبتلا باشد بلا اخره صحت یابد بیماری او جفته بر نه شدن
 جسم یا سبب خوردن طعام سفید مثل شیر برنج و غیره لاحق شده است علامتش
 اینست که در سرد جسمش گرم مثل تب و تمام شب تمام روز بیقرار باشد
 و چشمش سرخ و رویش زرد باشد و با کسی سخن نکند و در خواب خوف کند صدقه
 بجزرات برنج و پارچه استعمال شده از بیمار را با هفت نان از روغن سیاه پنجه
 یکی محتاج بدد **شب یکشنبه** اگر باین شب مریض جلیل شود سایه پری سیاه یا
 دیوی است علامتش اینست که جسمش سست باشد و در خواب برسد که گویا شخصی آید
 باو حمله کند و با کسی سخن نکند صدقه پارچه زرد رنگ و اندک **دریخ** زرد باید محتاج بدد

نقش شلبانی

و روزی شنبه اگر کسی در این روز بیمار گردد آرزو عمل ما متاست به بیمار باز زده روز
 گران باشد بیماری او بسبب نظر به زناغ و زعن یا پری یا بسبب خوردن طعام سفید است
 علامتش اینست که درد سردستی جگر و ناف در تمام جسم او درد باشد و اگر طفل
 بیمار باشد خلل ام الصبب بیان است و ام الصبب بیان زن دیویست که طفل را باز شیر خود
 یا میدهد معذرا طفل نخوردن شیر مادر با انسان نمیکند که بخورد حتی که بلاک بشود یا
 صدقه هندی و سینه در بر سر طفل مالند و یک تا یکمان سفید بر سر چهار راه بگذرانند
 شب و شبها اگر کسی بیمار شود آن شخص از سایه خود خوف کرده بیمار شده است
 صدقه بدد یک بز سفید و کبچد سفید یک پاد یک چھانک با یک مرغ سفید اندک
 نیل و یکمقال نقره محتاج دهد و روز شنبه اگر کسی بیمار گردد و روز مرغ است
 بر بیمار ده روز گرانست بیماری او بسبب یه دیوست یا بخانه او آسیب است یا بخانه
 او درختی است که بر آن گز یا خضر آسیب است و نظر او بر بیض ضرر رساند علامتش
 اینست که در بیداری بناف و شکم او درد میگردد که تمام جسمش میلرزد و خواب نمیرود
 صدقه بدد پارچه یک گردن کبچد و گلزار و یک پارچه استعمال جسم مریض و هفت
 اماند گندم و زرد عن زرد کبیر و مرغ بزرگ سرخ مریض را معاینه کرده مستحق بداند
 اگر طفل بیمار باشد نظر زنی حرام خور یا زنی دیگر نظر زده صدقه شیر برنج پنجه
 و اندک پارچه سرخ بمسختی محتاج بدد و اگر زن حامله بیمار گردد بیماری او ازین
 جهت واقع شده که وقت شب برای ضرورتی برخاسته دیوی بر آن مقام
 بوده نظرش بر وی افتاده خوف برداشته علامتش اینست که شکمش درد
 میکند و در بول او بدبو باشد و تمام جسم او مثل اینکه خار خورده صدقه بدد
 کبوتر سیاه زنج کند و خون او را در ناخای مریض مالند و با آب گرم بشویند
 و آب آن را در چهار جامه افکند شب شنبه اگر بیمار شود بیماری او بسبب
 خوف یا سردی یا نظر دیو و پری است اندک اجوان بخورد و صدقه بدد جامه سفید

با سیاه و کبرنگ و کینان چخته و بختال نقره محتاج دهد و در چهارشنبه
 اگر کسی بیمار شود روز چهارم است بر بسیار پانزده روز گران باشد بیماری او از آن
 جهت است که نذر بزرگی کرده بود و بنزد و فاکند و علامتش در دست و پست و سینه
 صدقه بد روغن زرد بر نان مالیده و چهار مرتبه پارچه قدری سیم و یک بقیه مرغ
 و کبرنگ سفید اگر ممکن باشد یک پارچه گوشت زراغ و زغن و یک پا و برنج و یک پا
 کهنه سیاه محتاجان دهد و اگر طفلک بیمار شود مادر یا دایه او رو بروی زن
 غیر شیر داده علامتش اینست که طفل سمت شیر رحمت نماید و سمت مانده
 صدقه کچراغ آرد چهار رویه ساخته در آن روغن بریزد هر چهار طرفش روشن
 کند و در دریا اندازد و نمک و موم و برنج محتاج دهد مشک و سیاه و شنبلیله اگر شخصی
 در این شب بیمار گردد در غمی مبتلا شده است صدقه پا و برنج و کبرنگ و پارچه شمال
 کرده مریم و دو نان هر دو پا و پا و بستنی بدو و پنجشنبه اگر
 کسی بیمار شود آنروز ششتری است بر مریض ده روز گران باشد بیماریش بوجه
 غسل کردنست که نظرها آسب می و جن او را ضرر رسانیده است یا بضعف
 شب برای رفع حاجت برخاسته و نظری بر او کار کرده علامت او اینست
 که در دست و در دگر و در ناف دارد و در خواب خوف کند و سستی بروی غالب
 شود صدقه مرغ سرخ و پارچه زرد و سرخ و سیاه و قدری برگ حنا و یک پا و گندم
 و قدری سیم و اگر طفل علیل باشد ام الصبیان او را شیر داده علامت
 اینست طفل شیر مادر را نخورد و اگر اندکی بخورد استفراغ نماید و بسیار گریه
 و زاری کند و رنگش کحلطه زرد و سبز شود و لاغر شود صدقه کچراغ آرد و
 میازد و هر چهار طرف فیتل روشن کند و شیر برنج چخته در دریا اندازد شب
 پنجشنبه اگر کسی بیمار گردد بیماری او بسبب ضرر رسانیدن دیو و پری است که بوقت
 شب در اثنای ماه قمار او دیو و پری را خوش آمده و نظرها او اثر کرده است

علامت درد اعضا و سستی جسم و تشنج پای است صد ضربه بجز بزیاه آرد
 جو یکسیر روغن کنجد ۱۰ چھانک بمسی محتاج بد هر دو و جمعاً اگر کسی بیمار شود
 آن روز زهره است بر بیمار یازده روز گران باشد بیماری او بجهت فلیه خونت
 و یک جای خود بخود بر زمین افتاده و در آنجا جانی بوده که از جسم او پس کرده علامت
 سستی جسم و در و سر باشد و در خواب کلمات لایعنی گوید و چشمش باشد صدقه خا
 چهار راه با خاک قبرستان که آرزو بر مندی مرگت گویند با خون بر سفید تر کند
 و یک چراغ آرد ماش بسازد و اندک بسیند و در دلمدی گرفته همه اشیا را در پارچه بنی
 بندد و در ظرف گلی نونهد و رویش محکم کرده در دریا اندازد و یک نان به آرد ۱۰ پاو
 یخته روغن زرد و شکر ۱۰ پاو بر او نهاده و قدری نقره و پاو گر پارچه سفید بفقیر محتاج
 بدد و اگر طفل بیمار شود بیماری او از صدمه دیو و پری یا جهت خوردن شیر و جغرات
 و بزنه غسل کردنت علامت درد سر و زانو و از چشمهای او آب روان گردد و چهره
 زرد شود و شیر ننوشد علاج موی دم مرغ یا زاغ گرفته بسوزاند و دود آنرا بجسم
 او رساند و شیر برنج یخته محتاج ده شب جمعی اگر بیمار شود بیماری او از سایه
 دیو و پری است صدقه روغن کنجد دوال باش دوال نخود دوال مسو یا جانوی
 سفید یا سیاه و قدری نقره اگر ممکن نماند یک نان ۳ و پاو و زتی در روغن کجاو
 تر کرده شکر سفید انداخته و پارچه سفید و یک بویه مرغ و آب تازه محتاج ده و اگر
 کسی بیمار شود عدد اسم ربیض و ماژد او را جمع کرده و بر هفت طرح دهد
 اگر یک باقیماند روز شنبه است و اگر دو باقی ماند روز یکشنبه است و اگر سه باقی
 ماند روز دوشنبه است و اگر چهار باقی ماند روز سه شنبه است و اگر پنج باقیماند
 روز چهارشنبه و اگر شش باقیماند روز پنجشنبه است و اگر هفت باقی ماند روز
 روز جمعه

فصل نهم در بیان تعویذات شفای امراض متفرقه

نقش نیلسانی

وقتی شخصی در مرضی مبتلا گردد آن شخص باید سوره الحمد را در میان نماز سنت و فرض
 میم بسم الله الرحمن الرحیم را بالف و لام الحمد وصل نماید و چهل و یکبار تا چهل روز بلا
 فاصله بخواند و بر آب دم کند بریض یا مسجور بخواند بفضل خدا شفا می یابد ایضا
 اگر کسی بیمار شود سوره فاتحه را بر کاسه چینی باز عفان و کلاب مشک بنویسند و بشویند
 و بریض دهند بخورد انشا الله تعالی مریض زود شفا یابد ایضا هر کسی که بیمار شود چشم
 یا ماسلام بخواند و ترتیب آن است که اسم شریف یا سلام را یک کتک بیت و چهار
 مرتبه در یک جمله واحد طاق آنها یک بخوانند یا سه یا پنج یا هفت بخوانند و نذر شافی مطلق
 داده بشیرنی تقسیم کنند انشا الله مریض شفا یابد بزود تجربه رسیده است ایضا اگر
 مریضی مبتلا گردد این شش آیه از قران شریف که آنها را آیات شفا مینامند بر کاسه
 چینی با بسم الله نوشته با سوره فاتحه و در آب شسته بریض بخوانند آیات است
 ۱ و یشف صد و در قوم مؤمنین ۲ و شفاؤنا فی الصدود ۳ یخرج
 من بطونها شراب مخلفا لوانه فیه شفاء للثانیس ۴ و تنزل من
 القرآن ما هو شفاء و رحمة للؤمنین ۵ و اذ امرضت فهو کشفین
 ۶ قل هو للذین امنوا هدی و شفاء ایضا هر که بیمار شود این رباعی
 با درود در اول و آخر بخواند بفضل الله تعالی شفا یابد رباعی
 ای در صفت ذات تو حیران که همه وز هر دو جهان خدمت در گاه تویم
 علت تو ستانی و شفا هم تو دهی یارب تو بفضل خویش بستان و بده
 ایضا هر کسیرا که در دوسر باشد از انگشت میانی و نر انگشت هر دو جانب
 مریض پیشانی را گرفته الحمد بخواند و انگشتان را جنبش دهد که بعد الحمد هر دو انگشتان
 بهم آمیزند و سه مرتبه چنین کنند انشاء الله در دوسرش فوراً دور خواهد شد و باز بخواند گردید
 ایضا این نقش سوره فاتحه را برای جمله امراض مفید است که بر کاغذ
 یا کاسه چینی نوشته بشویند و بریض بنوشانند از فضل شافی مطلق هر مریضی

نقش نیلسانی

۷۸۷

۲۳۴۰	۲۳۴۲	۲۳۴۴	۲۳۴۶
۲۳۴۵	۲۳۴۸	۲۳۴۹	۲۳۴۴
۲۳۴۴	۲۳۴۸	۲۳۴۶	۲۳۴۸
۲۳۴۶	۲۳۴۷	۲۳۴۵	۲۳۴۷

شفا یابد بسیار مجرب است و نقش است
 ایضا این نقش دعای حرب البحر است
 این را بنویسد و در گوی مریض بند و یا بر کاس
 چینی نوشته شود بنویسد مریض بنوشد
 انشاء شفا خواهد یافت و نقش است

ایضا این نقش سه قل است هر کس
 این را بیوم جمعه نوشته بر بازوی خود بندد
 انشاء الله تعالی از جمیع امراض محفوظ ماند

۴۱۶۸۲	۴۱۶۸۸	۴۱۶۸۸	۴۱۶۷۵
۴۱۶۸۷	۴۱۶۷۶	۴۱۶۸۸	۴۱۶۸۶
۴۱۶۷۶	۴۱۶۹۰	۴۱۶۸۸	۴۱۶۸۰
۴۱۶۸۴	۴۱۶۷۹	۴۱۶۷۸	۴۱۶۷۹

۳۵۴۰	۳۵۴۲	۳۵۴۶	۳۵۳۳
۳۵۴۵	۳۵۴۴	۳۵۳۹	۳۵۴۴
۳۵۳۵	۳۵۴۵	۳۵۴۶	۳۵۳۷
۳۵۴۱	۳۵۴۷	۳۵۳۶	۳۵۴۷

ایضا این نقش یا حیض و یا حتی است
 هر کس بنویسد و بر بازوی راست بندد
 زود تر شفا یابد و کسی که این نقش را یا حیض
 زد خود دارد از جمیع آفات محفوظ و مضمون
 بعد از اعداد یا حتی در شلخت نویسد است

زود خود دارد از جمیع آفات محفوظ و مضمون
 بعد از اعداد یا حتی در شلخت نویسد است

ایضا این نقش آیه الکرسی را نوشته
 در گوی مریض بندد شفا یابد و آن
 اینست

۷۸۶

۱۰۵۴۵	۱۰۵۳۸	۱۰۵۴۲
۱۰۵۴۰	۱۰۵۴۲	۱۰۵۴۴
۱۰۵۴۱	۱۰۵۴۶	۱۰۵۳۹

۴۹	۲۵۲	۲۵۰	۲۴۲
۲۵۴	۲۴۲	۲۴۶	۲۵۲
۲۴۲	۲۵۷	۲۵۰	۲۴۵
۲۵۱	۲۴۶	۲۴۵	۲۵۶

ایضا این نقش مشرک از سوزن لقمان است اگر در گردن جانم بندد صحیح و سلامت

تا امام مقررده ماند و فرزند صلح و متن درست زاید
 و اگر تخنی با عقدا و یقین کامل نزد خود دارد از آیه
 آفات بجزون محفوظ ماند نقش اینست
 مریض بندوانشا اندقم زودتر
 شفا یابد نقش اینست



۲۹۷۴۹	۲۹۷۵۲	۲۹۷۵۵	۲۹۷۴۲
۲۹۷۵۵	۲۹۷۴۲	۲۹۷۴۸	۲۹۷۵۴
۲۹۷۴۴	۲۹۷۵۸	۲۹۷۵۱	۲۹۷۴۷
۲۹۷۵۲	۲۹۷۴۹	۲۹۷۴۵	۲۹۷۵۲

ایضا بر کس بزرگ قبول این آیه
 که بر رانوسید و قبل از آمدن تب آن برگ قبول را معاینه کند انشا الله تعالی تب بخوابد کرد
 و اگر تب آید بعد دور شدن آن برگ قبول حال را نوشته تا سه روز بلا فاصل در چاه
 انداخته انشا الله تعالی تب ای دوام دور خواهد شد آیه نیست لایون فیها
 تمسک اولاد چهره ایضا در کتب معتبره بزرگان تحقیق شده که اگر کسی است لرز
 بجزه این آیه که بر بزرگ قبول یا برگ پیل نوشته مریض بی بنید نشاءه تقم تب بند
 خواهد شد و اگر بر تقدیر تب آید برگ مذکور را تا سه روز در چاه اندازد اگر خاست خدا
 تب نبارد دیگر عود نمیکند آیه کریمه اینست قلنا یا نارا و کوفی برد او سلا ما علی ابن
 ایضا برای تب لرز این اسما را بر سفال آب نمیده نوشته بر بازوی راست
 بندد اسما شریفی است اول روز یا محیط روز دوم یا محیط روز سوم
 یا محیط اگر روز اول تب نیاید بندد و اگر تا سه روز عمل کند انشا الله تعالی
 ایضا برای دفع تب لرز یک حصه لسن گرفته اسم دیگر ابرو نوشته در دست بندد
 تا سه مرتبه چنان عمل کند انتم تقم تب لرز دور خواهد شد رسم ۱ رسم ۲ رسم ۳
 مجرب آرزوده است و در او شک و شبهه نیست ایضا هر کس که به تب لرز
 مبتلا باشد این عشره نوشته بر گلو بندد از فضل حافظ حقیقی بزودی شفا یابد
 بی مجرب آرزوده است و نقش شریف در پشت صفحه است

نقش سیما

۷۸۶

بالحفاظ	بالحفاظ	بالحفاظ	بالحفاظ
بالحفاظ	بالحفاظ	بالحفاظ	بالحفاظ
بالحفاظ	بالحفاظ	بالحفاظ	بالحفاظ
بالحفاظ	بالحفاظ	بالحفاظ	بالحفاظ

ایضا برای دفع تب لرز نوشته در گردن بند
 یا در آب شویده مریض
 نوشا نذاشتم سحت
 یاد مجرب از توده سنت

ایضا برای دفع تب کهنه نوشته در گردن مریض بند از فضل خداوند کرم سحت یا بد بخبر

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

ایضا برای دفع عارضه صرع سوره سجده را نوشته در گردن
 بند بفضل خداوند تعالی از صرع محفوظ میشود ایضا
 شخصی را که عارضه صرع باشد این تعویذ را روز یکشنبه اول

ساعت شش بر لوح مس کنده در گردن بند صرع او دفع خواهد شد یکطرف لوح این را بگوید
 یا قهار انت الذی لا یطاق ان یغناک یا قهار و بر طرف دیگر یا من دل کل جناب
 عند یقهر من یرسلطانه یا من دل جلی حیرت ایضا برای دفع ماز

صرع این حروف را نوشته بر پیشانی مریض بند ۷۸۶ همیشه بخون حتم حتم
 حتم حتم عشق و یحق ایانک نعبد و ایانک نستعین صرع فلان بن فلان دور شود
 ایضا هر کس که عارضه صرع باشد بر روز سه شنبه یک عدد مرغ سفید گرفته نوح

کرده از خون آن نقش را نوشته بر گردن مریض بند
 ایضا برای دفع عارضه چپک سوره

بسم الله از چهل یک کسان نویسنده حرف بی نقطه و حرف عین و میم
 گشاده باشند در گلوی طفل بند و از فضل ایزد متعال انطفلی که این حرف
 متبرک بر گردنش باشد آبله در نخواهد آورد و بسیار مجرب است ایضا
 وقتی که دور بر آمدن آبله آغاز شود این نقش را نوشته بر گلوی طفل بند
 انشاء الله تعالی از پروان آمدن چپک محفوظ خواهد شد و نقش در
 صفحه بعد در چپ نوشته شده

نقش سینه

۵۷۴

۲۸۹۱	۲۹۲	۱۳۷	۱۳۱
۱۳۶	۱۳۸	۲۸۲	۲۹۳
۱۳۸	۱۲۹	۲۹۰	۲۸۷
۲۹۱	۱۳۴	۱۳۴	۱۳۷

۹	۱۶	۵	۳
۹۳	۱۲	۱۱	۳
۹	۹	۱۱	۳
۱۱	۴	۳	۳

ایضا کسی عارضه حیض لاحقه
گردد این نقش را نوشته بر مریض و
آب شسته بنوشاند از فضل خداست
صحت یابد ۷۸۶

۲۵	۲۶	۱۵
۲۷	۲۱	۲۴
۲۰	۲۸	۲۰
۱۹	۱۸	۲۴

ایضا در زمانیکه عارضه و بانی مهنه
بر زود باشد این نقش را نوشته بر گلو
برگسنداشد او را بر بحر قضای کسی هیچ
ایضا هر کس را در سرباشد این تعویذ را نوشته
در سربند و انشا الله در ذایل شود

نقش سینه

۱۱	۱۱	۱۱
۱۱	۱۱	۱۱
۱۱	۱۱	۱۱

بابت

ایضا برای درد نیمه سر این تعویذ شریف را
در آخر جمعه ماه مبارک رمضان مقابل قبله
نشته نویسد و بر سر مریض روی در بنید و انشا
تعالی کرد و در خواهد شد **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** اللَّهُمَّ تَرَانِي رَبِّكَ كَيْفَ قَدِ الظَّلَا
و تو باشا **لِحَطَلِ سَائِكَمَا كُنْتُمْ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْنَا لَيْلًا ثَمَّ قَضَاهُ إِلَيْنَا**
قبضایینرا ایضا برای در این نقش نوشته بر بندد
آمی ه

نقش سلیمانی

ایضا شخصی که از مینی او خون جاری باشد از همان آیین شکل را با خون بر پیشانی او بندد آید و صحت گردد

ای خون بکنانه مادری که دختر مارا بحر کیف بر پاست

ایضا شخصی را که ضعف بصیر باشد یا در چشمش سحر جی یازد و باشد این آیه کریمه را سه بار بعد نماز پنجگانه بخواند و بر چشمانش دم کند انشاء الله تعالی چشمانش تندرست و خوش بین خواهد شد

فَكشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

ایضا هر کسی از عارضه چشم دردمند باشد این دعا را خوانده بر چشم دم کند صحت یابد

اللَّهُمَّ مَتِّعْنِي بِبَصَرٍ فَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ وَارِثِي فِي الْعَدُوِّ وَثَارِي فَانصُرْ قَوْمِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي

ایضا هر کس هر روز بهفت مرتبه خوانده چشمش آشوب نکند

وقت بصرش زیاد شود بَرَقَا سِرْقًا بَرِيقًا

ایضا برای دفع شبکوزی این نقش را بر روز چهارشنبه بر چشم بندد اینست

بنویسد و بر بازو بندد بفضیل خدا تعالی صحت یابد آمین

محمد	احمد
مصطفی	مرتضی

۷۸۶

دو	حاضر	راده	دها	ران	وادم	طللله
۶۶۶	دولوما	ارساء	هن	من	هن	هفت
و بحق	لا	اله	الا	الله	محمدا	رسول الله
بجی توتیه	و بحق	بجیل	بجیل	و بحق	بجیل	قائما

ایضا بر شخصی که در نزدان یا گلو درد باشد این نقش کرم را بنویسد و بشوید و نوش کند در دوزخ اموافق گردد و اگر بجزیره کرده اند

ایضا در گردن هر کسی که درد باشد این آیه کریمه را با نقش نوشته در گلو بندد رفع درد گردد اینست آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا جَعَلْنَا فِي عَنُقِ الْفَرَسِ

۷۸۶

۳۸۱۱	۳۸۱۴	۳۸۱۰
۳۸۱۰	۳۸۰۸	۳۸۱۰
۳۸۱۲	۳۸۰۵	۳۸۰۵

اغلا... قَهِي آتِي

يَا بَارِئُ يَا جَلِيلُ يَا مُدِينُ

الْأَدْقَانِ فَهَمْ مَقْتَمَحُونَ

ایضا هر کسی را که درد گوش باشد این آیه کریمه را

نقش نیلما

نوشته بر گوش بند و در دم خواهد شد منت بسم الله الرحمن الرحيم
 كان له ليمعها كان في اذنيه وقرا فبشره ربعا اب اكنم وناجين
 انزلناه وياحق نزل ايضا اگر شخصی را اصول با باشد یا که در اول او
 دور گردید نقش مکرّم را بر روی دو کاغذ علیحدّه نویسد یکی را در گلو بندد
 و دیگری را شسته بنوشد انتم نعم صحت

۷۸۶

لا حول	ولا قوة	الا بالله العلي العظيم
العظيم	الا بالله	ولا قوة
لا حول	ولا قوة	الا بالله العلي العظيم
العظيم	الا بالله	ولا قوة

ايفضا برای دفع هول و در اول این نقش
 معظم را بر روز جمعه قبل طلوع آفتاب تا هفت
 روز بلافاصله نویسد اول روز و نقش
 نویسد یکی در گلو بندد و دیگری را شسته

بنوشد و هر روز یکی نوشته و شسته بنوشد از فضل خدا یقانی صحت خواهد
 یافت نقش معظم و مکرّم است

ايفضا شخصی که خفقان یا در دل
 یا شد این جمله و نقش را با طهارت
 و با خلوص نیت بنوشد و بار سمان
 خام بسته بر دل بیاویزد انشاء الله
 هول دل موقوف خواهد شد هر دو

۷۸۹

۲۲۳۱	۲۲۳۵	۲۲۳۹	۲۲۲۲
۲۲۳۷	۲۲۳۵	۲۲۳۰	۲۲۳۴
۲۲۳۴	۲۲۲۲	۲۲۳۳	۲۲۲۹
۲۲۳۴	۲۲۳۱	۲۲۲۷	۲۲۳۹

ايفضا اگر در
 سنان زنی درد
 باشد اینده فارا
 بر گل حشمت خواهد

۷۸۴

۱۹۲۵	۱۹۲۰	۱۹۲۷
۱۹۲۴	۱۹۲۴	۱۹۲۲
۱۹۲۱	۱۹۲۱	۱۹۲۲

نقش این است ۷۸۴

۱۵۲	۱۵۷	۱۹۰	۱۴۶
۱۵۹	۱۵۲	۱۵۲	۱۵۱
۱۴۶	۱۹۲	۱۵۵	۱۵۱
۱۵۲	۱۵۰	۱۴۹	۱۴۱

دوم کرده بزین ده که او را بر پستان خود بمالد انشاء الله در روزی که در دو روز

الی قتی منها منی سیرجی دوش وای بیه واین تالی است وکن
 دست وکن ایسه وکن اثر، بلا کاس ایضا برای در پشت
 این آیه که میرزا نوشته بر پشت بند در از او در خواهد شد آیه اینست
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یُخْرِجُ مِنَ بَطْنِ الصُّلْبِ الرَّابِّیَّ تَاخِرًا
 بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ ایضا زنی که شیر او کم باشد سوره حجرات را
 بازعفران نویسد و بشوید و باو بخوراند اش الله ثم شیر بسیار شود ایضا اگر
 زنی یا ماد و گاوی یا بز شیر آنها کم شود طشی مسی قلی ظاهر این آیه را بر آن نوشته
 داشته باها بخوراند اش الله ثم شیر آنها بسیار خواهد شد آیه کریمه اینست
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ثُمَّ قَسَتْ فَلَوْ لَبِئْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ الٰی اَخْرَاجِیْ
 ایضا برای افزون شیر سوره یس را بر کاغذ نویسد و آنرا با آب شسته بنوشاند
 یا رنگ خوانده باو بخوراند شیر زیاد شود ایضا این نقش را برای دفع درد
 شکم نوشته بشک بنداشتم درد فوراً دفع شود

۱۵۵۵	۱۵۵۷
۱۵۵۶	۱۵۵۲
۱۵۵۱	۱۵۵۸

ایضا برای افزونی شیر این نقش را نوشته بر سینه بند
 اش الله ثم شیر زیاد خواهد شد نقش معظم و کرم
 اینست مجرب و آزموده است ایضا برای درد

شکم و خونی که از شکم میاید این نقیذ را نوشته
 بر شکم بنداشتم بالکل رفع گردد اینست

۱	۱۴	۱۹	۶
۱۴	۱۵	۱۴	۲
۱۲	۱۲	۲	۱۴
۱۴	۹	لیس	۱۰

۱۲	۱۵
۳	۲۱۴
۱۲	۱۵

ایضا هر کس نکات
 از سوره هضم باشد
 ایندهار از مرتبه خوانده بر شکم کند اش الله

قال باخره از زیاد گردد الیله الیله عبد یا کرشی ورضی الله تعالی

نقش سلیمان

۶۱

عن تیسع ابو عبد الله القزوينی بحجرت ایضا این نقش را برای
رفع طحال در روز چهارشنبه نوشته برشته خام بسته بر طحال بندد ان شاء الله
طحال بجالت اصلی خود خواهد آمد ۵۱ دم الاله ۱۱ ۱۱ ۱۱
ایضا این نقش معظم را در عروج ماه بروز چهارشنبه با طهارت و با وضو کامل
نویسد و در رشته خام پیچیده بر طحال بندد ان شاء الله صحت کامل باید بحجرت
و از سوره است ایها الطحال ارجع الی

س م ل	م م م م م	م م م م م
م م م م م	م م م م م	م م م م م
م م م م م	م م م م م	م م م م م
م م م م م	م م م م م	م م م م م

الموضع بحرفه محمد و آل محمد
ایضا برای درد کرده این نقش معظم را
نوشته بمیان مریض بندد ان شاء الله از درد
کرده نجات خواهد یافت نقش سیم

ایضا هر کسی زانف و از جای خود رود و باید که
از دختر تا بالغ هفت بار میان خام بگیرد و این
هفت را بر کافه نوشته بار میان پیچیده بر
بندد و بعد از صحت آن رشته را از کمر گشاده در دریا

۶	۹	۱۰	۲
۲	۱۰	۱	۶
۳	۲	۳	۴
۴	۵	۲	۳

اندازد شکل مذکور است ایضا شخصی را که ناف از جای افتاده این نقش را
نوشته بر ناف بندد و ناف او بمقام خود آید صحت یابد اینست

۶	۹	۱۰	۲
۲	۱۰	۱	۶
۳	۲	۳	۴
۴	۵	۲	۳

ایضا برای درد کرده بر میان سیاه
پیچیده بر کمر بندد عفل عفل عفل
ایضا شخصی بچنین عارضه مبتلا گردد

که رود بای اگر در بنیه ای شکم بر آید این نقش را که در پشت صفحه است نوشته

نقش سیدمانی

بر ناف بندد انشا الله تعالی بحالت اصلی عود نماید نقش اینست

۲۵۱	۲۶۱	۲۵۵
۲۵۴	۲۵۱	۲۶۲
۲۵۱	۲۵۴	۲۵۷

ایضا اگر کسی نصیبت سنگ نشاند پیش آید این نقش را نوشته بنوشاند انشاء الله تعالی روزی ترشفا یابد بشر

۶	۷	۲
۶	۵	۹
۶	۸	۴

معظم مکرم اغیبت

ایضا اگر شخصی ببول سدد و باشد بردست و پایا خود بیکت این اسنار بنویسد انشا الله تعالی گشاید

شود حسب معمول بول بر از کند اینست عیطش عیطوش عیطوش عشت

ایضا بر کسی که در زیر ناف درو باشد این آیه کریمه را هفتاد مرتبه خوانده بروغن

دم کند و تا سه روز بر آن مقام مالک انشا الله تعالی صحت یابد آیه کریمه اینست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَاهُ وَنِيفَاءً وَرَحْمَةً

لِلْمُؤْمِنِينَ ایضا برای عارضه دفع بواسیر ایند عار هر روز بر کافذ نوشته

و شوییده بنوشد بسم الله الرحمن الرحیم قوس قوس منقوش لایرون فیها

شمسا و لای کھربرا ایضا برای دفع عارضه بواسیر در روز شنبه در

عروج ماه یک دان لاکه سونخ وار گرفته و اول و آخر این درود را با بسم ته و این

آیه کریمه صم بکم عنی فھم لا یرجعون خوانده بر آن دم کند دیگر

بندد انشا الله تعالی بواسیر دور شود ایضا

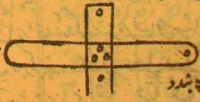
شخصی را که عارضه بواسیر خوبی یادی باشد

این شکل را بر روز یکشنبه نوشته در دست چپ بندد

انشا الله تعالی صحت کامل خواهد یافت

ایضا شخصی که عارضه بواسیر باشد در آخر چهارشنبه وقت طلوع آفتاب این تعویذ را

بر آنقشری نقره کده در انگشت کند انشاء الله بواسیر خوب شود آیه در صفحه بعد است



الر المصن الرا المر الكهيص طه طسم طس يس ص
 ق ن ايضا برزنی که فرزند زراید بر پوست آهو باز عمران و کلاب این
 آیه را نوشته و بر گوی زن بنده نشاء الله تعالی فرزند زریه زاید آیه نیت
 ولوان قرانا سیرت به الجبال او طعت به الارض او کلید به
 للوئی بن لله الا مریجینا ایضا زینکه فرزندش نشود بر کین فیروزه
 این آیه را کنده انگشتری ساخته در انگشت کند و نیم شب گذشته اول و آخر
 یازده بار درود بخواند با طهارت و خلوص نیت بهین طریق روزمره تا چهل روز بخواند
 اگر خواست خدا بعتالی است در میان چهل روز حملش قرار گیرد بسیار مجرب است
 و ب لا تدنی فرده اوانت سخیرا الوادین ایضا زنی را که حل قرار گیرد
 این تعویذ را بر کاغذ نوشته و سوخته زن بخورد و آنش حل گیرد و تعویذ معظم اینست
 ایضا برزنی که فرزند زراید این

۱۱ ۶۷ ۸۸ ۶۱۹ ۶۵ ۱۱۹ ۶ ۱۱

تعویذ را نوشته بر گوی بند و تعویذ معظم اینست و مجرب است

فاعدله اگر منظور داشتن معامله فرزند تو کند نشد
 تقصیر از مرد یا زنت باید که عدد اسمهای مرد و زنت را
 بحساب بجد بنویسد و بعد که بر نه نه طرح دهد که عدد جفت

۷۸۵	۱	۱۲	۵
۷	۱۰	۶	۲
۷	۱۱	۱۱	۱۱

باقی باشد حضور از مرد است و اگر عدد طاق باشد از زنت است هیچ شک نیست
 ایضا برزنی را که اکثر اسقاط حمل میشود سوره اخلاص یازده مرتبه بخواند بر آب دم کند
 و آن آرزو بخورد در فضل ایزد نعمت حاصل فرماید و فرزند زراید - یا هفت رشته ریسمان خام
 گرفته یازده مرتبه سوره منزل را بر آن ریسمان خوانده دم کند و بعد ختم یکت کرده بر آن
 ریسمان برزند و بر کوزن نازائیده که حمل او یافته بنده نشاء الله تعالی حمل بر خرا میماند
 ایضا برای دفع شدت درد زاییدن این شعر را بنویسند بر ساق دین بنده مجرب است و بعد از
 زاییدن فرود آورد کند مر جایی شد خرم جایی شد تو خواجهی بزای تو خواجهی ز زای

نقش مسلمانان

اَيْضًا مُحَقَّقَانِ فَمَنْ ارْتَدَّ فَرَمُودَهُ اَنْذَكَ اَلْكَرْبَالُ رَادِدٌ وَشَدِيدٌ بِوَقْتِ زَايِدِنِ عَمَلٍ
وَفَرْزَنْدِ تَوْلَدِ نَيْشُودِيَانِ اَيَّةِ رَايِرِ كَاغَذِ نُوْشْتِهٖ بَرَزَانُوِي چِيْنَ بَنَدَنِ اَشَاءُ اَللّٰهُ تَعَالَى
فَرْزَنْدِ زَنْبِيَرِ زُوْدِ تَرْتَوْلَدِ شُوْدِ وَاَزْ شَدِيْثِ مَسْحُوِي زَوْنِ نَجَاتِ يَابِ اَيَّةِ كَرِيْمِ اَيْسِنْتِ
وَاَلْقَتْ مَا فِيْهَا وَتَحَلَّتْ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُجَّتْ اَهْيَا وَاَشْرَاهِيَا
اَيْضًا زَنِي رَاكِرْ دَرِ زَايِدِنِ شَدِيْثِ بَامَشْدِ وَفَرْزَنْدِ دِيْرِ تَوْلَدِ شُوْدِ اَيْنِ نَقْشِ رَا نُوْشْتِهٖ
بَرَزَانُوِي بَنَدَنِ زُوْدِ تَرْتَوْلَدِ شُوْدِ وَاَلْبَعْدُ اَزْ تَوْلَدِ اَزْ زَانُوِي زَنِ بَارِ كَنْدِ نَقْشِ اَيْسِنْتِ

۷۸۶

۱	۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۵	۸
۱۵	۵	۵	۱۰

اَيْضًا زَنِي رَاكِرْ دَرِ زُوْدِ بَعْنِي رَايِدِنِ سَحْتِ
بَامَشْدِ بَايْدِ كَرِيْمِ اَزْ اَوَّلِ تَا اَخِرِ بِاسْمِ شَدِيْثِ
بَعْدِ سُوْرَةِ بِنْتِرْ كَهْ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اِنَّمَا اَخِرِ نُوْشْتِهٖ بَرَزَانُوِي
زَنِ بَنَدَنِ وَاَلْبَعْدُ اَزْ تَوْلَدِ بَارِ كَنْدِ

مِصَلِّ حَيْجَمِ دَرِ مِثْقَاتِ

دَرْ كِتَابِ مُسْتَطَابِ مَخَايِرِ الْاَسْلَامِ نُوْشْتِهٖ اَنْتَ كَهْ هَرِ كَسِيْرِ اَكْثَرِ اَشْتِيَاقِ زِيَارَتِ حَضْرَتِ
خَاتَمِ الْاَنْبِيَآءِ صَلِيَ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ اَدَا اِسْتِكْبَارِ بَامَشْدِ بَايْدِ كَهْ بَرُوْدِ حَيْجَمِ مِيْمَرِ اَبْرَارِيْنَ دَرِ وَاَرْجُوْا
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْاَمِيْنِ اِنَّمَا اَسْتَدِرُّ رُوْحَابِ زِيَارَتِ جَمَالِ اَكْمَالِ اَنْ
حَضْرَتِ مَشْرُفِ خَوَابِدِ اَيْضًا هَرِ كَسِيْ كَهْ شَوْقِ زِيَارَتِ حَضْرَتِ رَسُوْلِ صَلِيَ عَلَيْهِ
عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ بِيْمَرِ اَكْرَدِ بَامَشْدِ زُوْدِ رَا دَرِ سَبْحِ حَيْجَمِ مِيْمَرِ شَرِيْفِ خَوَابِدِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَوٰةٌ تَجِيْنُنَا بِهَا مِنْ جَمِيْعِ الْكَلْبَاتِ وَتَنْظِقُنَا بِهَا مِنْ
جَمِيْعِ الْبَلِيَّاتِ وَتَرْضِنَا بِهَا اَعْلَى الدَّرَجَاتِ وَتَسَلِّقُنَا بِهَا اَفْضَلَ الْاَلْيَاتِ
مِنْ جَمِيْعِ الْجَمْرَاتِ بَعْدَ الْحَيَوٰةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ اَيْضًا كَسِيْ كَهْ دَرِ اَبْلَاقِ مَسْتَلَابِ
بِكُوْبِ حَيْبِنَا اَللّٰهُمَّ وَنَوِّعِ الْوَكِيْلَ اَيْضًا هَرِ كَسِيْ كَهْ بَعْضِيْ كَرِيْمِ اَبْرَارِيْنَ اَيَّةِ رَايِدِنِ
اِنَّمَا اَنْتَ اَنْصَبْتِ رَفْعِ خَوَابِدِ اِنَّمَا اَللّٰهُمَّ وَنَا اَللّٰهُمَّ رَا جُؤُوْنَ اَللّٰهُمَّ اَجْرِيْ
فِيْ حَيْبِيْ وَخَلْفِيْ خَيْرًا مِنْهَا اَيْضًا هَرِ كَسِيْ كَهْ اَزْ اَسْتِنْ سُوْرِدِ اَبْنِدِ عَارِ اَحْوَاغِ بَرِ
مَقَامِ تَرْتَوْلَدِ فَرَاخَا مَشْرُفِ اِذْ هَبِ الْبَاسَ رَبِّ النَّاسِ اَسِيْفَانْتِ الشَّاقِي

لا شافی الا انت ایضا هر کسی که در غمی مبتلا باشد و پریشانی خاطر زیاده باشد
 بخواند لا اله الا الله العظیم الحکم لا اله الا الله رب العرش العظیم
 لا اله الا الله رب السموات و رب الارض و رب العرش لکن یم
 خوانده و دعائند خداوند تعالی شکستش را آسان گرداند و غمش راحت مبدل گردد
 ایضا هر که بغمی و رنجی مبتلا گردد بگوید یا حی یا قیوم بر خیمت استغیث
 ایضا هر کسی را مشکلی پیش آید و بسبب آن پریشان خاطر باشد بگوید سبحان الله
 العظیم ایضا برای زیادتی حافظه و دور شدن نسیان این آیات کریمه را بر یک
 لقمه نان نوشته نیاز بخورد و در شبها فتعالی الله الملیک الحق و در یکشنبه
 رب زدنی علما و در روزی مستقرتک فلا تنسی و در سه شنبه انه یعلم
 الجهر بما یخفی و در چهارشنبه لا یخترک لسانک لتجمل به و در پنجشنبه
 ان علینا جمعة و قرائه مرز جمعها قاناقرآنه قانایع و قرائه ایضا
 برای زیادتی فهم و حافظه این آیات کریمه را اول و آخر یازده مرتبه در روز شریف خواند
 یازده بار بعد هر نماز بخواند حافظه اش زیاد گردد ویت اشخ لی صدیقی و قسری
 امری قاحل عقده من لسانه یفقه قولی حکم الانسان ما لم یعلم
 ویت زدنی علما ایضا هر که در سفر رود این ترتیب را نوشته نزد خود بگذارد
 مانند سفر بروی اثر کند و قوتش زیاد گردد و مجرب است و مرتب نقش آمین

قادر	قایم	قوی	مقدر
قوی	مقدر	قوی	قادر
مقدر	قوی	قایم	قادر
قایم	قادر	مقدر	قوی

ایضا در تفسیر معانی نوشته است که اگر از
 کس بپرسد کسی تنگ آید و کثرت آنها و بال
 باشند اندکی رنگ دریا بیاورد بر آن
 این آیات مبرکه را بخواند و دم کند در خانه

بپاشد پند و گمان دور شوند آیه معظمه است بسم الله الرحمن الرحیم
 فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین قنبارک الله احسن الخالقین
 واستودع الله دینک و مالک و ذریعتک ایضا در کتاب الجمان نوشته

است و تکرار کثرت و آزار زنبوران شود باید از یکی ملک در آب یا بخته و در خانه افشا
و ایند عار است مگر بخواند انشاء الله تعالی در یک هفته تمام زنبورم دور خواهند شد اینست
بِحَقِّ آهِيَا اَشْوَاهِيَا اَذْوَنِي اَصْبَاوَتِ وَيَحْيِي وَعَنْتِي الوَجْوهُ المَحْيِي
الْقِيُوهُ اَيْضًا برای دفع موران این آیه معظمه ذیل را بر آب خوانده در روز چهار
موران بریزند حتی اِذَا التَّوَاعِلُ وَادَا التَّمَلُّ تَا اَخْرَآيَه اَسْعِلْ در مفتح الجبال
مقوم است اَيْضًا هر کس که مار و کژدم یا سگ تیر یا دیگر جانوری زهر دانه
بگزد باید که ایند عار را هفت بار خوانده بر قند سیاه دم کند و برگزیده بخورند
یا شربت نموده باو بخوراند بفضل خدا تعالی صحت یابد و دعا این است
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الشَّهَادَاتِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَقْرَبٍ
وَحَيَّةٍ اِنَّهُمْ يَكْتُمُونَ كَيْدًا وَاَوْ كَيْدٌ كَيْدٌ اَقْبَلُ التَّكْفُرِ مِنْ اَهْلَامٍ
رُوَيْدًا اَيْضًا برای جلد زهر این آیه را نوشته و بگیرند و بنوشانند
قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ تا آخر سوره اَيْضًا برای دفع جلد زهر این
آیه را بروی نوشته و بهی زنده آیه مبرک که اینست **لَعْنَةُ الذِّنِّ لَعْنَةُ اِلٰهٍ اَخْرَجَتْهُ**
اَيْضًا اگر کسی جایش آتش گرفته باشد اسما صاحب کف را بر کار سفید
نوشته در آتش اندازد آتش فرو نشند و اسما اینست **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِمَلَاَئِکَ**
اَلْمَکَلٰئِیْنِ اَلْمَکْشُوْطِیْنَ اَدْرِیْطُوْنِیْ وَاکْشَاطُوْنِیْ اَلْمَکَلُوْنِیْ
اَلْمَکَلُوْنِیْ و کلها هم قطره اَيْضًا اگر کسی جایش آتش گرفته باشد
بگیر خوانده آتش فرو نشند اَيْضًا اگر باران از آسمان نیارد و گشیا و زراعت
در حالت زاری باشند اسما کف را بر کاغذ سفید نوشته در ریایند از آسمان باران
بارش ببارد اَيْضًا برای بارش چمن ابر حرف و بار بر کاغذ سفید بار
نخچه چوب کشیده بر درخت بیاورد که با بانه زنجشک دهشت آید تم ابر فیلد باران
دارا غیب نمودار گردد و باران ببارد اَيْضًا وقتیکه بارش زیاده از حد
شود زراعت و مکانها را زیان رساند چمن و بیکار حرفه بر کاغذ سفید نوشته
بر درخت سبز بیاورد انشاء الله تم بارش بوقف خواهد شد مگر نسبت اَيْضًا

نقش سیدمانی

در کتب احادیث نوشته است که راه فرار از اول معاینه کند یعنی ماه نورانی
 اینده خارا بخواند **اَهْلَهُ عَلَيْنَا يَا لَيْمَنُ وَالْاِيْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَ**
الْاِسْلَامِ وَالْوَقْفِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى رَبِّي وَرَبَّكَ اللهُ اَيْضًا
 در مقصود الفاصدين وغيره مروی است که هر کس حلال ماه بیند دهای طلال بخواند
 و سوره فاتحه را با بسم الله سی و سه مرتبه بخواند تا ماه دیگر از اوقات زمانه محفوظ ماند و در
 بعض روایات آمده است که سوره یس یکبار بخواند بهتر است اَيْضًا اگر شخصی باره
 قطع کند این آیات را ملاحظه نماید از حیث خوبی و بدی چنانچه در زادالمسورین و غیره از
 حضرت علی رضی علیه السلام روایت شده و شاعری آنرا بنظم در آورده است
 بریدن ماهه نورا تو میدن **بیکشنبه شوی گلین پریشان** گشاید رزق و روزی در دوشنبه
 بندد یا بسوزد در ریشنبه **بروز چهارشنبه بادباشی** پنجشنبه زخم آزاد باشی

بروز جمعه گنج و مال دلی **بشنبه رخ و غم فی الحالی**

اَيْضًا هر کسی که جامه نو قطع کند یا برود بوجب این اشعار ملاحظه و عمل کند
بشنبه بود نقیصان حجاب بیکشنبه بود دولت و رحمت **دوشنبه چو پوشی رنگ خنی**
ریشنبه سوزد و گلین پریشانی **بروز چهارشنبه دولت است** پنجشنبه بی زیبا نماید
 بروز جمعه و نیایشین نمایند **چنین بقصیر حکمایان نمادند**

اَيْضًا در حسن حسین آمده است که اگر کسی جامه نو بپوشد این عارا بخواند **اللَّهُمَّ لِي**
اَسْتَلِكُ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا هُوَ لَهُ وَاعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا هُوَ
لَهُ اَيْضًا بوقت درخشیدن عدد و برق و بانک سخت بخواند این آیه معظنه
و کبرتر را اینست يَسْتَجِجُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَأْتِ سَمَاءُ مِنْ خَيْرِيَّتِهِ
اَيْضًا وقتی که شیطان بصورت خوفناک روتما شود با او از پشت بکبیر گوید و
آیه الکرسی بخواند اَيْضًا بوقت وزیدن بادهای تند و سخت و خوفناک برزد و قل
اعُوذُ بِرَبِّ الْعَالِقِ وَقُلْ اعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند اَيْضًا بوقت کسوف
 و خسوف یعنی خورشید یا ماه گرفتگی باشد بدرگاه حضرت مستجاب الدعوه دعا
 کند و بکبیر گوید و نماز خواندن کسوف و خسوف مشغول شود و صدقه بدهد و این آیه

نقش سلیمانی

از مسلم و ابو داود و نسائی منقولست ایضا از ترمذی و نسائی و ابن ماجه و
 حاکم منقولست که وقتی که آثار یله القدر مشاهده نماید این دعا را بخواند **اللهم**
انک عفو رحیم العفو فاعف عني يا ارحم الراحمين ایضا از ترمذی
 و حاکم منقولست که هر که در بلای گرفتار باشد بگوید **اللهم انقض بحلالک**
عن سرامیک و اغثنی من فضلیک عن سواک ایضا هر که در قرض گرفتار
 باشد قدرت او ای نداشت باشد این دعا را بخواند **اعوذ بک من الهم و**
الحرین و اعوذ بک من العجز و الکسل و اعوذ بک من الجبن و اعوذ
بک من غلبه الذین و قهز الرجال ایضا اگر دست و پای کسی گسست
 شود شخصی را که زیاد تر دست میدارد یاد کند و بهتر آنست که اسم شریف حضرت
 خاتم الانبیا محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله را در زبان کند و در دو نماحده و در اوج پاک
 ایشان بفرستد هر که مجبورترین خلایق ایشانند ایضا هر کسی که قصد سفر کند بوقت صبح
 از خانه بیرون آید که روز بخشنه یا دو شبانه و شبانه باشد مناسبست که پانصدی احکام
 بخواند کند سعادت و خوشست ایام را خیال کند پانصدی آن کردن شیوه بزرگان و بزرگان
 و نیز رویت که حضرت علی علیه السلام فرمود در وقت سفر کردن قدر عقرب با ملاحظه کنند
 نباشد و دیگر دستور بخواند ایضا از جبرئیل روایتست که حضرت رسول
 را در شاه فرمودند ای جبرئیل قناری که برای حصول مال و دولت سفر کنی و نزد اصحاب فرزند
 عزت و توقیر تو افزون گردد جبرئیل عرض کرد ای حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود این پنج
 سوره مظهر را بخوان و سفر کن و اول و آخر هر سوره بسم الله بگو جبرئیل میگوید من بوجهی را
قل یا ایها ۱ اذ جاء ۲ قل هو الله ۳ قل اعوذ برب الفلق ۴ قل اعوذ برب
الناس تمام و کمال خواندم در آنک زمانی طی شدم و در نزد اصحاب خود فرزند
 و صاحب تو غیر گستم پس از این بهتر شدند مگر که بهم نخواستند رسید

باب ششم در بیان معالجات مشتمل بر دوازده حصول

اندرین باب معالجاتی که در حدیث وارد شده است و با اطباء و حکمای فاضل و کمال

بعد از آنکه حال علم کرده اند زناظرین کرده میشود بدگاه حکیم علی الاطلاق شالی
حقیقی بلخی است که هر مرضی که از علاج مرقوم بعمل آرد بفضل و کرم الهی شفای یابد

فصل اول در بیان تب

در تب مرقوم است که صاحب قرض که فوز را بخورد فسخ قرض است زعفران
و کافور یک مثقال اصل آهوس مقشر بیدانه خشخاش سفید برایت بچه بچند
تخم خرفه مقشر تخم خیارین تخم کاهو صندل در گلاب ساییده تخم تربریک یک توله
صغ عربی کبرایک مثقال آینه قرض سازند و چهار ماشه مریض بخورد شفا یابد
ایضا آب لیمو یک توله شکرام یک توله گرفته در شیر گاو آینه مریض را بنوشانند
ایضا برای دفع تب لرز مغز کزنجار باریک ساییده در قند سیاه حب های ساهله
بهر صحرانی بند و قبل از آمدن تب مریض را بخوراند ایضا برای تب لرز سمندر سب
ساییده بر لیموی کاغذی نشانده پیش از آمدن تب لرز باو بخوراند

فصل دوم در بیان جبراحات

در جنگ اوردوی مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله مجروح شد حضرت زهرا سلام
علیها خون اوردوی مبارک آنحضرت می شست و جناب امیرالمؤمنین میبازد خند خون مسدود
سینه فرمود که بویار را بنورانند و خاکش برش آرد از زخم ریخته فوراً خون مسدود شد
ایضا ابریشم را بسوزانند و در جای زخم خون پر کنند خون بند خواهد آمد

فصل در علاج خارش بدن

در صحیحین مذکور است که انس بن مالک از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که
عوضند که عبد الرحمن بن عوف و زهیر بن العوام حارصه خارش بدن پیدا کرده اند
ارشاد فرمود که پراهن ابریشمین بپوشند ایضا برگ درخت نیم نو برآمده
یک توله در آب ساییده تا دو هفته بنوشند ایضا روغن چنسیلی با گلاب
خالص و عرق خالص لیمو در ظرف پیل انداخته مالش نمایند فینویا توله

تو تپای بنبر ۲ ماشه ساییده در جسم مالش سازند آیتضا چرانته تلخ شاهزده بلید
 زنی هر یک یک توله باچی ۲ ماشه در شب بخیا سازند صبح ساییده و صاف کرده بوشند
 آیتضا موم کسکل گرفته در آتش بیزم بشوزانند بعد باریک ساییده در روغن کجدا آمیخته
 بر خلدش بدن بمالد بعد چهارگهری از آب غسل سازد آیتضا صابون را در آب آمیخته
 بر خارش بمالد بعد غسل نماید آیتضا شوره قلمی در روغن تلخ آمیخته بر بدن بمالد شفا یابد
 آیتضا برگ خا در روغن گل ساییده بر جسم بمالد آیتضا سهاک در روغن جنسبیلی کلاب
 آب لیمو کا فور با هم آمیخته بر بدن بمالند

فصل چهارم در بیان دفع درد کسر

در این باجمه قوم هست که در سر ببارک پیغمبر ص که گاهگاه درد می آید آنحضرت برگ خا استعمال
 میفرمودند اکثر مردم ارشاد میشدند که برگ خا برای دفع درد سوزناغ هست وقتی که درد کسر
 بسبب حرارت میباشد برگ خا استعمال میشود و اگر ماده پدید آید جراح را میخواهند
 ضد باجحات میفرمودند آیتضا پوست بلید زرد پوست بلید کابلی پوست بلید سیاه
 کشته خشک هر کدام یک توله کوفته و بیخته در پارچه سنگین کرده در روغن گاو چرب کرده
 و بقوام آورده همچون سازند دو توله در هر روز بخورند آیتضا برای دفع درد کسر در آب
 برگ درخت زوقا صاف کرده دوسه قطره در مینی چکانند آیتضا برای دفع درد
 نیم سر زنجبیل و شکر در اندک شیر سوخته در مینی بچکانند و روی را با آفتاب کشند
 آیتضا با لولرا در آب ساییده و بر جبین بچسباندند

فصل پنجم در علاج درد چشم

در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عارضه آشوب درد چشم زیاد شد
 آنحضرت مردم را با استراحت و آسایش امر میفرمود و حضرت امیر مومنان علی علیه السلام
 در آشوب چشم رطب جزون را منع میفرمود آیتضا نشان گندم در روغن گاو هر یک
 دو توله خمیر کرده و چهار قرص نموده در کاسه گلی نموده بر روی آتش خوب گرم داشته شد

بر چشم گذارد و وقتی که قرص سرد شد بردارند و قرص گرم شده دیگر بگذارند تا قرص چهارمی در
 چشم نیکن نماید ایضا اوده داشته بھکری بریان داشته افیون سدرتی برگ قر
 بندی داشته همه را ساییده در پارچه بندد و بر چشم بگذارد ایضا لعاب بهدانه و شیر
 دختر با آب گشنیز آمیخته در چشم بریزند ایضا وقتیکه در چشم سفیدی پیدا شود این
 دوا را استعمال کند روغن سیاه خالص برگ نود درخت نیب توله صابون توله بارک
 میخچه در روغن مذکور آمیخته استعمال کند ایضا سرمر برای دهند و غیره فلفل شسته
 یک عدد سپاری یک عدد و توتیای بریان کیسرخ پنکری بریان مسرخ رسوت مسرخ
 بلبله زرد مسرخ همه این ادویه را در ظرف مسی بچوب درخت نیب که در سر آن چوب فلکس
 باشد حل کرده استعمال کنند مجربست ایضا نافع برای شبکوری شکر خالص
 داشته در عرق بادیان آمیخته در چشم بریزند ایضا آب پیاز در چشم بریزند
 ایضا آب برگ سرش در چشم کند ایضا نافع روزگوری است که در آب
 چشم بارکند

فصل ششم در بیان امراض دل

در سنن ابوداؤد نوشته است که سعد فرموده من بیماری شدم پیغمبر محترم بیاد من
 تشریف آوردند و ارشاد فرمودند که در دل تو درد است عرض کردم بی حضرت فرمود
 که عارث بن کلده را از تسبیح ثقیف بطلبید و بگوئید بخت عدد خرمای عجو هم راه خود
 بیاورد چون که علاج انسان میکند و با تخم خرما کوفته بنوشانند ایضا برای زحمت و
 دل و دفع خفقان آب کبچر و قند و جوز و بستر و قوام کرده با اندکی گلاب مشک مخلوط
 نموده نوش نمایند ایضا مغز و مقوی دل گمل گزال سبزی دور کرده با دو برابر قند
 مخلوط نمایند و بخورند ایضا نافع خفقان حار استغول کیتول لعاب بر آورده قدر
 شکر بنوشند ایضا صندل مسرخ داشته آرد گشنیز داشته در نیم من آب
 تر کرده صلیج صاف کرده با شکر مزوج نموده بنوشند

فصل هفتم در بیان حذر کردن

روزی اصحاب بجائی میرفتند و بسایه درختی نشستند و از میوه و تر آن درخت خوردند
ملکی بآن حسی بی حرکت شدند آن حضرت صلی الله علیه و آله را خبر دادند فرمود که در مشکها
آب پر کرده و سرد کنند و اذان صبح بر سر آنها بیزند چپسین عمل کردند همه آنها

صبح تن درشت شدند در بیان علاج زهر و غیره

در حدیث آمده است که در خیز زنی بزاده را بر این کرده بود و زهر آمیخته بود حضور
حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورد آن حضرت قدری از آن تناول نمود بزهر بر این آورد
داد که یا رسول الله زیاد از من نخورید که بزهر آمیخته است حضرت ص آ زن را طلب کند فرمود
که این کار را چو کردی عرض کرد که اگر بنفیر برستید زهر شما اثر نیکند آن حضرت چند لقمه
نوش فرموده بودند که بر آن باز مطلع شدند که این معجزه ظاهر شد ولی یکی از صحابه نیز
قدری از آن گوشت خورده بود و وفات یافت و حضرت ام فرمود آن نیز ابصا صحابه
بقتل رسانیدند و آنزهر اثر کامل با حضرت نکرد اندک تاثیر کرد و معیند حضرت ص
در میان شازجهامت نمودند و با صحاب فرمود چپسین عمل کردند بعد از این حضرت صلی
الله علیه و آله تا سه سال زنده بودند و میفرمودند که بجهت آن لقمه که در خیز خورده ام
بجسد مرا حتی سال وفات رسید فرمودند که مدام صد مرتبه آن گوشت خیز است
و حال ام از اثر آن زهر گهای من می شکند آخر الامر شهادت یافتند ظاهر است
حکمت آسمی در باقی مابین زهر بجهت مبارک آن معلوم میشود که حضرت را بدرجه شهادت
سرافراز گرداند **ایضا** برای هر قسم زهر گرم پنج چولائی اگر تازه بیشتر گردد
یک تولد اگر خشک باشد شش ماشه در آب ساییده در روغن گاو آمیخته بجوز
ایضا کفای خورد ساییده بجوزد دافع زهر است **ایضا** هر که سنگیای
خورده باشد یک ماشه کافور و چند تولد گلاب جل کرده بنوشد دافع زهر است
ایضا برای دفع زهر سنگیایا بشیر بزجوش داده در روغن گاو دافع کرده آمیخته بنوشد
ایضا برای دفع زهر امیون پنج از دست ساییده بنوشد

ایضا برگ فوبیدانچر ساییده بنوشانند ایضا برای دفع زهر فیون بنیک دوپسته
 دو سه مرتبه بخوراند ایضا دفع مضرت سسند و رادرک در نمک آیمخته بخورد ایضا
 ایضا دفع مضرت سیاب و شحرف روغن بیدانچیر پنج ماشه در پاؤ آثار شیر
 گاو حل کرده بنوشد ایضا دفع مضرت گشت جات برگ نو درخت جاسین
 سه توله مثل منگ ساییده بنوشانند ایضا برای زهر عنکبوت برگ چورانی
 در روغن زرد ساییده لب کند ایضا برای دفع زهر موی شیر شیره برگ
 کسوندی سه روز بخورد ایضا جهنجه ماهی سه چهار در حلق فرو دود ایضا
 برای دفع زهر مار برگ کسوندی سازد و در چشم اندازد ایضا یک عدد قتل
 در حلق فرو برد ایضا هر که را مار گزیده باشد آنرا ببرد از جسم جدا سازند
 چلخذه یا که از آتش بسوزانند ایضا قدری سها که تیلیا در روغن آیمخته
 مار گزیده را بنوشانند ایضا مار گزیده را برگ نو درخت آکه در قند شام
 آیمخته بخوراند و بالای آن روغن زرد بنوشانند ایضا گنگن در حل
 ساییده در بینی بچکانند ایضا گنج کسوندی تین ماشه فلفل دو ماشه
 بخوراند ایضا برای دفع ستم عقرب آب لوسن سه توله شهید تین
 توله آیمخته بخوراند ایضا شیره آکه بر عقرب گزیده بماند نافع
 است ایضا کس بریش عقرب بماند نافع است ایضا
 سمندر چل ساییده ضاد نمایند بریش عقرب ایضا فیلط موش گرفته
 ضاد نمایند ایضا چوب لریره بریش عقرب بنهند در دفع خواهد شد
 ایضا سنگبیا در آب ساییده ضاد نمایند ایضا هر که را عقرب
 نیش زده باشد بال مورد در قلیان مثل تنباکو بکشد ایضا هر که را زنبور
 بکزد لعاب اسفول در سرکه بر آورده بنوشد ایضا سبزی که در آب
 چشمه میسپاشد در سرکه آیمخته طلا کنند ایضا لعاب غلی و جنازی مالند

نقش سلیمانی

ایضاً مس را بجای زنبور گزیده بمالد ایضاً سیاه دانه را ساییده بمالد
 ایضاً بنا کو نوشیدنی بمالد ایضاً شهید بخورد ساد نماید ایضاً روغن
 زرد بست یخبار شسته طلا کند ایضاً کافور در سرکه حل کرده طلا کند
 ایضاً هر جا که زنبوران بسیار باشند در آنجا کند یک یا لیسن بسوزانند
 زنبوران گریزان شوند ایضاً هر که را چه کبلی گریز بسوس کند مراد است
 خوب جوش داده لظول میسازند ایضاً هر که را عک گزیده باشد برگ
 سوره یک توله فلفل سیاه ۱۵ عدد ساییده صاف کرده بنوشانند
 ایضاً پیاز را کوفته در شهد آمیخته ضماد کنند ایضاً هر گلی که گزیده
 باشد زبانش را بر آورده بسوزانند و خاکسترش را بر زخم بریزند ایضاً
 هر کسی با که سنگ بگز و بانات سلطانی با یک بزنگ صبح گرفته هفت بار
 ساه و باقی سیاه آمیخته هفت حبت کند و بسنگ گزیده بخوراند ایضاً
 برگ ترب گرم کرده بزخم بندد ایضاً زیره خوشه با جگر گرم آمیخته بخورد
 ایضاً هر کسی را سنگ گزیده شونیزد و ماشه در آب گرم آمیخته باو بخوراند
 ایضاً هر کس را موش گزیده باشد تخم سرشس برگ نیب مغز تخم کربنجه
 برابر وزن آنها در شاش ماده گاو ساییده و حبت نموده بر آن طلا کند
 ایضاً اگر زخم گزیده انسان باشد برگ کوحی ساییده ضماد کنند
 ایضاً اگر بگز و شونیزد کبجد سیاه در آب ساییده طلا نماید ایضاً
 پودینه بخورد منافعت ایضاً برای دفع هر هزار پایی کنکورد و
 روغن کبجد در چران ریخته و بر افروزد و فستیک چل کل شود و روغن آن
 باقی ماند آن روغن را بموضع درد مالند انش نعم در خوب شود ایضاً اگر زخم
 گزیده چونک بچنه شود تخم خشاش ساییده ضماد نماید ایضاً پیاز لیسن
 ساییده ضماد کند ایضاً میمون گزیده مردار سفید و نمک در آب ساییده ضماد کند

فصل پنجم در بیان ضرب

اگر بر عضو انسان ضربتی رسد برگ گل ۲۱ عدد ساییده در قندینه
 آمیخته هفت شب سازند و تا هفت روز بخورند **ایضا** باد بخان خام
 در شکر آمیخته بخورد **ایضا** نم چها ماشه شکر سفید چها ماشه سفوف
 کرده بخورد **ایضا** جربالینودیک ماشه بخورد **ایضا** گندم را سوزا
 خاکستر آنرا در قند سیاه آمیخته حل کنند بار و عن زرد آمیخته بخورد **ایضا**
 پختلری یک ماشه در زو عن زرد و بریان کرده و بشکر آمیخته بخورد و این را
 بطور حلوا سازند **ایضا** برگ سبجه و گنجد مساوی گرفته طلا کنند **ایضا**
 دست و پای کسی بجهت رفتن راه بست و بالا یا بسبب دیگری ضربی رسد بکنج که از
 آن روغن گرفته باشند در آب خرب ساییده با شنبه و بر روی پا چسبند بر آن

فصل دهم در بیان علاج سوخته

هر که از آتش سوخته باشد پوست درخت تر هندی در روغن کاه آمیخته بر موضع
 سوخته مالند **ایضا** گل پر تلاش کرده برگ نو آن گرفته در گل آمیخته نیم گرم طلا کنند
ایضا برگ ابرو افشوده آبش را مالند **ایضا** سبزی حوض آب طلا کنند
ایضا برگ رشتن بمالند **ایضا** برگ انار ساییده طلا کنند **ایضا**
 سیب را ساییده در سفیدی تخم مرغ آمیخته طلا کنند **ایضا** کاه که نه سوزا
 در روغن سرش آمیخته بمالند **ایضا** گندم با آرد و جو در آب حل کرده بمالند
ایضا برگ نو درخت بیری در آب حشرات آمیخته طلا کنند **ایضا** اینک در آب
 ساییده بمالد **ایضا** برگ بیری صحرانی در روغن بکند ساییده ضاد کنند **ایضا** اگر
 بدن کسی از آتش بازی سوخته و پوست آن از جسم جدا شود و مال پارک ساییده در
 روغن آمیخته آتش نهند و قند هر دو یکدات شوند بر بدن مالند **ایضا** نم زرد استیکر

ایضا برکن خنار آب ساییده ضما و نمایند ایضا علاج سوخته که کات الحروف
 باره تجربه کرده ام برای فاده عام قلم نموده میشود اگر آزمایش آنرا تحریر کنم کتاب بسیار
 طولی میشود و از ذکر عظیم الشانی و صاحب هنری هست نذر ناظرین نوشته میشود
 هر که از آتش بنور و بیاد و چون قلی در آب اندازد که دو برابر آورد بعد اندکی توقف نماید
 و قند چون قلی در آب فرو نینداند آب لال او را گردانند که رود عن سیاه با انگشتان حل
 نماید که رود عن و آب یکحال شده صورت فرام زده شده آنرا بر موضع سوخته است
 ساعت بمالند انشا الله تعالی فوراً سوزش آن بر طرف و زخم آن فوری بهتر خواهد شد
 یکی از اثر و تجربه آنرا تحریر مینمایم شخصی بود که خیلی عشق و بهم او بکتور داشتند
 و کبوتران زیادی داشت یکجفت از آنها خیلی خوشترنگ و بهتر از همه آنها بود آتش آزد
 بود مذ برای طبع نچختن یکی از آنها افتاد در آتش و تمام بال و پرا سوخت و یکقطعه
 سرخ مانده بود فوراً مرهم مذکور بالا را درست کرده و آنرا در آن نشاندیم از فضل خداوند
 زنده مانده بعد از یک هفته پرو بال او پروان آمد چنانکه در یک ماه کامل بال و پروان مثل
 اولش شد

فصل یازدهم در بیان علاج و فیه سحر

متقولست که یهودی نام محمد و بوجود حضرت اقدس نبوی صلی الله علیه و آله وسلم
 سحر نمود و اثر سحر در وجود نبوی ظاهر گشت ارشاد فرمود که بر من حجامت کنید یعنی
 در بنای چینی نمونن باید علماء در این مسئله میگویند که مصلحت از اثر سحر بردات اقدس
 نبوی آن بود که بر یهودان منکشف و یهودا گردود که حضرت حتی مرتب ساحرینت
 بلکه رسول بر حق بمنبر صادقت و این معنی جواب همان یهودی فاسق است که حضرت
 رسول را ساحر میگفتند حالاکه ساحران را سحر میکنند هیچ ضرر نیکند لهذا دعوی
 باطل بود و انرا فتح فرمود و از این حرکت یهودان عنایت و توفیر آنحضرت را دو چند
 افزود و پیش معلوم شد که این عمل برای سحر معیند تر است

فصل دوازدهم در بیان نتایجات متفرقه

فسخه هر که را در دبان آبله افتد کاه زبان سوخته بمشقال کباب بر چینی یک بمشقال لهما
 در زهر جگر خطائی تن ۱ طباشیر تن ۱ دانه الاچی کلان ۱ مشقال خشک کوفته و بخیخته
 در دبان ایشانند فسخه مجرب در مقوی مایه نشا گندم کیتوله بخود بریان کیتوله
 مغز پسته کیتوله دانه خجاش سفید ۹ ماشه شیره مغز بادام کیتوله مغز تخم کدوی شیرین
 ۲ ماشه مغز تخم کاهو مقشر ۹ ماشه نبات ۲ توله مسکه ۵ توله از عمه اوویه حرره بستور
 معینه در سنت نمایند فسخه در شکم از نخلان چوب درخت جامبن ۲ توله سوخته
 سون کبی ۶ ماشه سنگ جراحی ۶ ماشه مرچ سیاه ۳ ماشه مصطکی رومی ۶ ماشه کتبا
 ۷ ماشه شبانی ۷ ماشه بریان کرده همه را کوفته و بخیخته آمیخته سنون تیار سازند
 فسخه برای مصروع دم گلهی زنده بزیده خون تازه در چینی مصروع بریزند اینصفا
 گوشت گلهی بریان ساخته اندکی مصروع را بخوراند فسخه در گوسش برک
 مسکه در سن گرفته عرق آن فشرده نیم گرم در گوسش بریزد مجرب و آذ سوده است اینصفا
 آب بروق کمو آب بروق مولی گرفته در روغن بادام شیرین آمیزد و جوشن هر وقتی گاه
 سوخته شود در روغن باقیاند در گوسش بریزد فسخه کسی را که از بطنی بسیار خون آید
 پسندی از لاکسیرا میگویند کتانی خورد و صحرانی در آب سائیده بر دماغ صناد سازند
 از آید تمام خون مسدود خواهد شد فسخه در فم فم زبانی گمانشی ابرک نیب بر آتش
 سوخته نمک طعام آمیخته بخزند اینصفا چوب شرفه از روغناب آرد با قلابستان
 هر یک ۲ ماشه تخم خطمی یک ماشه رب انوس یک ماشه شکر تیغال یک ماشه سندرک
 یک ماشه همه اوویه را کوفته بخیخته باریک ساخته در لعاب تخم خطمی حب نمایند
 بقدر بخود سازند و اکثر در دبان دارند مجرب و آذ سوده است و اکثر
 حکماء را بر سیرج التائیری آن اتفاق است کنحضه طحال عرق
 ککروده صحرانی توله آب قلیان که یک شبانه روز قلیان کشیده باشند
 چهار توله هر دو آمیخته باشند مریض را بنوشانند تا هفت روز آتش آید
 تقانی فائده خواهد بخشید کنحضه بواستور رسوت گشیز مغز
 کرده و با هم آمیخته بخزند یا رسوت را در مسکه آمیخته بخزند کنحضه
 نوا ابسیو استخوان نچو شیر سائیده طلا نمایند اینصفا شلم را

در روز سیاه ز بعد از این روش مثل مرعم ساخته استعمال نمایند گنجه
 خار فرخاد گش فراگو که گندک آریا مردار سنگ سنگ جرت
 اول این چهار اوقیه در کحل خوب تر ساییده بعد با پاره آیمخته خوب تر حل
 نماید بعد از آن کهن دو توله باروغن گاو یکصد و یک مرتبه شسته اودیه
 با آیمخته استعمال نمایند مجرب و از موده است گنجه جلد امرا
 عرق برگ ارنی سبز افشوده نفل سیاه آیمخته تا چهل روز پی در پی بنوشد
 و بجز نان نخود هیچ چیز دیگر نخورد مجرب است گنجه بوضع پوست
 انجیر دشتی ۲ توله با بچی ۲ توله گندک ۴ ماشه همه ساییده از پارچه بخیته
 در جفات آمیز کرده ضا د کند و بقدر مقدرت و توفیق بوقت صحت
 با روح مبارک حضرت بیع الزمان را فاتحه بخواند اینصا نصح
 دیگر نافع بوضع مزبسی ۹ ماشه قوتبیا ۴ ماشه بر دور در عرق
 لیموی کاغذی خوب حل کرده مساوی بر صحرانی حب سازند و وقت
 حاجت در عرق لیمو حل کرده در روز دو سه مرتبه طلا نمایند اینصا
 با بچی ۳ ماشه باریک ساییده در آب جفات آیمخته وقت حاجت طلا
 نمایند گنجه بوضع سها که - هدی - سیندور مساوی الیوزن
 گرفته در عرق لیموی کاغذی باریک ساییده طلا سازند گنجه
 خضاب هلیه سیاه ۴ ماشه مازو ۴ ماشه بریان براده مس یک
 توله نوشا در بریان یک توله کسین یک توله قنفل ۴ عدد توتیای خام درون
 در آب هلیه جنبایسته وقتی که ضرورت باشد لیمو در آب هلیه ساییده استعمال کند
 مجرب است گنجه زیر کشمیری پیاز و لهن هر دو باشد آرد ماش یکماش الاچی کلان
 لوتک یک ماشه مرغ سیاه یکماشه رنه یک ماشه زعفران یک توله آیمخته
 بری تیار کند و در آب خشک کند و بوقت ضرورت و حاجت استعمال کند

نقشه مرهم زانوسور است ۴ ماشه سحاک ۲ توله گوگل یک توله
 موم یک توله همه را آمیخته حسب دستور مرهم تیار نمایند و ضماد کنند
 نقشه مرهم سوخ سینه در ۴ توله سفید کاشغری ۴ توله شب یالی بریان
 ۲ توله گیرد - توله نیلاخو تھا یک ماشه موم خام ۶ توله روغن کنجد ۶ توله
 اول روغن را گرم کنند و بعد مرهم را در آن اندازند وقتی که روغن با موم با حسن طریق
 مخلوط گردد همه اجزا را باریک ساییده در روغن بریزند حسب دستور مرهم تیار
 سازند این مرهم برای تمام دهنل و جراحات مفید است **نقشه مرهم کفیا**
 سفید ۳ ماشه سنگ جراث ۲ توله گیرویک توله روغن کنجد ۳ ماشه
 موم زرد ۳ توله هر یک نیم سوخته بصورت نان خوردا انداخته حسب دستور
 مرهم سازند و ضماد نمایند **نقشه مرهم کبیر** زنگار ۳ ماشه سیلاب
 ۹ ماشه گنده برود ۳ توله همه ادویه را آمیخته در آب یکصد شصت
 مرتبه شسته بر جراث بکار برند و این مرهم برای هر قسم دهنل مجرب و آرزو
 و مفید است سیلاب ۹ ماشه گنده برود ۳ توله همه ادویه را آمیخته بر آتش
 نهند وقتی که همه ادویه با هم یک ذات شوند از آتش فرود آورده حسب
 دستور مرهم سازد برای تمام دهنل و جراث مفید است بعد از آتش فرود
 آوردن از آب یکصد مرتبه شستن باید مرهم سفید روغن کنجد ۵ توله
 موم یک توله سفید کاشغری ۲ توله کافور ۳ ماشه روغن را گرم ساخته و
 موم را در آن انداخته گذاشته شود از آتش فرود آورده و یکصد مرتبه با آب
 شسته استعمال نمایند تمت الکتاب یعون الملک الوهاب فی طهر

در رمضان المبارک ۱۳۹۲ هجری قمری